Review of the Trading Status of Khoy in the Qajar Era

Marzeyeh Alamjan[1]
Tahereh Azimzadeh Tehrani[2]
Mohamad Taghi Emamy khoei[3]
Ali Reza Rohy MirAbadi[4]

Abstract: Khoy tradingzone as one of the exchange intersections between East and West, has played a significant role in the economic history of Azerbaijan for a long time. Being at the border with Russia and the Ottoman has increased its importance in trading exchanges. Concluding political- commercial conventions among these governments indicates the special commercial status of the area. This paper adopts a descriptive-analytical approach and relies on available data to consider the issue that the trading status of Khoy and needs of Ottoman and Russia for different types of Iranian goods has had a direct impact on jobs and commercial products of the area. In spite of such commercial prosperity, the results indicate the negligence of central government along with Russian and Ottoman intervention,which led to trade downturn in the late Qajar epoch. This study is amid at identifying the causes and factors contributing to the business development of Khoy in the Qajar era.

Keywords: Khoy, trading, Qajar era, Russia, Ottoman

1 Ph.D. Student of Islamic Nations and Civilization, Mashhad Azad University, (Corresponding Author), marzeyehalamjan@yahoo.com
2 Associate Professor at Mashhad Azad University, ta_azim@yahoo.com
3 Associate professor at Azad University of Rey
4 Associate Professor at Razavi Islamic University, dr.rohy@gmail.com

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

مقدمه

خوی[۱] از دیرباز در تاریخ ایران به‌خصوص از حیث سیاسی- تجاری جایگاه مهمی داشته است. یکی از علل اهمیت آن در طی قرون، قرار داشتن بر روی یک رشته از راه‌های کاروان‌روی شرق و غرب بود که اصطلاح جادهٔ ابریشم به آن اطلاق شده است. با روی کار آمدن نادر شاه، رفت‌وآمد کاروان‌های تجارتی از این راه دوباره مورد توجه واقع شد. به‌تدریج از دورهٔ احمد خان دنبلی (۱۱۶۷-۱۲۰۰ق) و عباس میرزا نایب‌السلطنه (۱۲۱۳-۱۲۴۹ق) خوی به شهر مهم بازرگانی و مرکز مبادلات با اروپا تبدیل و از آبادی و ثروت برخوردار شد. اهمیت اقتصادی تجاری خوی در این دوره به روابط ایران با دو دولت روس و عثمانی برمی‌گشت. وقتی این رابطه بهبود پیدا می‌کرد، روابط تجاری و اقتصادی نیز بیشتر می‌شد. به علت نزدیکی راه‌های تجاری از طریق عثمانی به اروپا و یا از طریق قفقاز به روسیه بازرگانان ایرانی علاقهٔ وافری به صدور کالای خود از طریق خوی به آن مناطق داشتند. بنابراین عامل بازرگانی و تجاری به‌خصوص در بسیاری موارد برجسته‌تر بوده است. تجارت خوی دارای جاذبه‌ها و تأثیراتی بوده است که پیگیری آنهامی‌تواند در رونق اقتصاد منطقه مؤثر باشد. مورخان مسلمان و نیز سیاحان و سفرای خارجی در سفرنامه‌های خود گزارش‌های مبسوطی از اوضاع و احوال تجاری خوی در دورهٔ قاجار نگاشته‌اند که در نوع خود قابل توجه هستند.

نوشتار حاضر به بررسی جنبه‌هایی از تجارت خوی در دوره قاجار می‌پردازد. اغلب پژوهشگران تنها به بخشی از این دوران توجه داشته و به شکلی مختصر و یا ناقص به مسئله تجارت منطقه پرداخته‌اند. در این میان دامنهٔ مطالب کتاب‌های مرحومان مهدی آقاسی و محمد امین ریاحی بیشتر به بررسی اوضاع سیاسی در این دوره محدود بوده است و همچنین پایان‌نامه رضامهیمنی با عنوان «بازار خوی» به راهنمایی دکتر امامی خویی به کارکرد و

۱ ناحیه خوی- جزء ایالت آذربایجان-درقرن ۱۳ق. ازشمال از طریق نخجوان وارد و باد به بلاد روسو از طریق بایزید و وان-هکاری به بلاد روم(عثمانی)و ازجنوب شرقی به شبستر و ازجنوب به سلماس و ازشرق به مرند محصورمی‌شد (جهانگیرمیرزا (۱۳۲۷)، *تاریخ نو*، تهران: علمی، ص۱۰۷). درشمال کوه چوککار(چوخقار) این ناحیه را ازولایت ماکو جدامی‌کرد. میرزا رضاخان مهندس‌الملک، معلم و ممتحن دارالفنون، در سال ۱۳۴۱ق. خوی را یکی از مهم‌ترین شهرهای ایالت آذربایجان دانسته و بیان می‌دارد که حاکم‌نشین خوی به همین نام و توابعش ماکو و قطور است. وی همچنین تقسیمات درونی خوی را ورس، کرس، آواجیق، چالدران، نتور، ماکو، سلماس، دیلمان، چهریق، کهنه شهر، خسروآباد و صدقیان بیان کرده است. (رضاخان مهندس‌الملک (۱۳۴۱)، *جغرافیای ایران*، [بی‌جا]: [بی‌نا]، ص۱۱۷) بنابراین مناطق یاد شده تا اواخر قاجار تحت عنوان یک ولایت اداره می‌شده‌اند.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

ساختار بازار خوی از نظر معماری اختصاص دارد. از این رو این مقاله، متفاوت از پـژوهش‌هـای فوق و هم‌سو با هدف تعیین شده، به بازکاوی موقعیت تجاری یک منطقه محلی با حکومـت داخلی و دول همجوار، در برهه‌ای خاص پرداخته و به گوشه‌ای از مقولات تاریخ اقتصادی محلـی توجه کرده است.

وضعیت اقتصادی خوی در دوران قاجار

۱. نابسامانی اقتصاد خوی در سایه جنگ‌های ایران و روس

تاریخ خوی در دورهٔ قاجاریه به شکلی مصیبت‌بار آغاز شـد چـرا کـه در سـال ۱۲۱۱ق. اقـدامات نظامی آقامحمدخان علیه گرجستان، خوی را به میدان تاخت‌وتاز قدرت‌طلبـان تبـدیل کـرد و بـه دنبال آن جمع کثیری از سکنهٔ آن مهاجرت کردند.[۱] در سال ۱۲۱۳ق. پس از تصرف خـوی توسـط جعفرقلی‌خان اموال مردم به دست نیروهـای وی غـارت گردیـد و قحطـی و گرسـنگی بـر شـهر حکمفرما شد.[۲] به دنبال این حوادث فتحعلی‌شاه فرزند دوازده‌سالهٔ خود عباس میرزا را روانهٔ خـوی کرد.[۳] ولی آمدن وی با غارت و تخریب سپاهیان افسارگسیخته قاجار مواجه گردید.[۴]

در اول شوال سال ۱۲۱۸ با تصرف گنجه به وسیله سیسیانف، سردار روس و کشـتار بیرحمانـه مردم آن شهر، جنگهای ایران و روس آغاز شد. واضح است که در هر جنگی آنان که در مجاورت مرزها زندگی می‌کنند پیش از سایرین در معرض آسیب و نابسامانی قرار می‌گیرند. بنابراین حوادث سیاسی در اقتصاد خوی تأثیر بسیار داشت، چرا که در سال ۱۲۱۶ق. فتحعلـی شـاه از محمـودخـان دنبلی خواست سالانه ۲۰هزار تومـان مالیـات خـوی را بـه خزانـه بپـردازد، ولـی وی بـه خـاطر خرابی‌هایی که در نتیجهٔ جنگ‌ها به خوی وارد شده بود، نپذیرفت و جواب داد که با ایـن اوضـاع خراب جمع‌آوری مالیات به این میزان مقدور نیست.[۵]

به‌دنبال ویرانی‌های ناشی از جنگ ایران و روس، خوی در دورهٔ عباس میرزا سروسـامانی

۱ پیر آمده ژوبر (۱۳۴۷)، *مسافرت به ارمنستان و ایران*، ترجمهٔ محمود مصاحب، تبریز: کتابفروشی سپهر، ص۱۹۰.
۲ نادر میرزا (۱۳۵۱)، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، تهران: کتابخانهٔ اقبال، ص۱۷۸.
۳ عبدالرزاق بیگ مفتون دنبلی (۱۳۵۱)، *مآثر السلطانیه*، به اهتمام مهدی صدری افشار، تهران: ابن‌سینا، ص۵۶.
۴ نادر میرزا، همان، ص۱۴۹.
۵ محمدامین ریاحی (۱۳۷۲)، *تاریخ خوی*، تهران: توس، ص۲۹۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

یافت. وی که خوی را مقر فرماندهی خود قرار داده بود، به عمران و آبادانی شهر پرداخت. براساس سخن جهانگیر میرزا در *تاریخ نو*، خوی را عروس شهرهای ایران می‌نامیدند.[۱] بسیاری از اقدامات عباس میرزا در جهت احیای صنعت و کشاورزی بود و در این زمینه او علاوه بر ایجاد کارهای عمرانی، صنایع خوی از جمله ماهوت‌بافی،[۲] توپخانه و صنایع شیشه‌سازی[۳] را تا حدودی احیا نمود. علاوه بر این عده‌ای ازشالبافان کرمان را به منطقه کوچ داد تا تجارت را در آنجا رواج دهند، چرا که هدف وی ترقی این محصول در منطقه و نزدیکی به بازار اروپا بود.گزارش‌های سیاحان در طی سالهای ۱۲۲۸ق. یعنی پس از اتمام دور اول جنگ‌های ایران و روس به جریان داد و ستد در بازار و رونق تجارت و کالاهای بازرگانی مرغوب و تاجرپسند آن اشاره دارد.[۴]

بعد از دوره دوم جنگ‌های ایران و روس (۱۲۴۰–۱۲۴۳ق) و انعقاد قرارداد ترکمنچای، روس‌ها برای اینکه ایران را در پرداختن غرامت جنگی زیر فشار قرار دهند، خوی را به مدت ۱۴ ماه بعد از جنگ به‌عنوان گروگان در اشغال خود نگه داشتند. آنها در طی این مدت با وعده و وعید ارامنه را برخلاف میلشان وادار به کوچ به روسیه کردند.[۵] این کوچ اجباری موجب ویرانی برخی از روستاهای ارمنی‌نشین خوی و سلماس گردید که مجموع ارمنی‌های مهاجر را شش هزار خانوار نوشته‌اند.[۶] در کنار تهاجمات نظامی باید از بلایای طبیعی مانند وبا نیز یاد کرد که آثار زیانباری بر اقتصاد منطقه گذاشت.[۷]

در پی این حوادث و پس از پرداخت غرامت سنگین در سال ۱۲۴۴ق. روس‌ها منطقه را تخلیه کردند که به دنبال آن مستوفیان دیوان ۲۵هزار تومان کسری برآورد کردند و با تخفیف ۱۵هزار تومان درست رقم مالیات به ۷۵هزار تومان رسید و این ارقام کاهش مالیات

---

۱ جهانگیرمیرزا، همان، ص۱۸۸.

۲ عبدالرزاق بیگ، همان، ص۱۴۳.

۳ بهروزنصیری (۱۳۸۰)، *خوی در گذر زمان*، خوی: انتشارات قراقوش، ص۳۱.

۴ جیمزموریه (۱۳۸۶)، *سفرنامه (سفری به ایران، ارمنستان و آسیای صغیر)*، ترجمهٔ ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس، صص۳۲۶–۳۲۸.

۵ مسعودمستوفی انصاری (۱۳۴۹)، تاریخ *زندگی عباس میرزا*، تهران: انتشارات مستوفی، صص۹۱–۹۲و۹۶–۹۷.

۶ ریاحی، همان، ص۳۳۱.

۷ رضاقلی‌خان هدایت (۱۳۳۹)، *روضة الصفای ناصری*، ج۱۰، تهران: خیام، ص۵۵۴؛ محمدجعفرخورموجی (۱۳۴۴)، *حقایق الاخبار*، تهران: زوار، ص۱۲۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

خوی را بعد از جنگ‌های دور دوم نشان می‌دهد.[۱] در پی نارضایتی مردم منطقه حکومت مرکزی جهانگیر میرزا را با پرداخت ۵هزار تومان مالیات سالیانهٔ بیشتر به‌جای بهرام میرزا به حکومت انتخاب کرد.[۲] حکومت وی نیز شاهد شورش‌ها و ناامنی‌ها در منطقه توسط اکراد محمودی بود. هرچند با شکست اکراد توسط وی غنایم بی‌شماری نصیب وی گردید، ولی عکس‌العمل لشکرکشی او این شد که طایفهٔ جلالی که هست و نیست خود را از دست داده بودند، در ولایت قارص جلوی کاروانی که از استانبول به ایران می‌آمد را گرفتند و بیش ازسیصد هزار تومان اموال بازرگانی ایران را ربودند.[۳]

۲. ثبات در مرکز و رونق در وضعیت اقتصادی خوی

به علت آرامش نسبی و اهمیت اقتصادی خوی در دورهٔ محمد شاه (۱۲۵۰–۱۲۶۴ق) و ناصرالدین شاه (۱۲۶۴–۱۳۱۳ق) حکام مختلف برای رسیدن به حکومت خوی با هم در رقابت بودند. حتی برخی از آنها برای چندمین بار به حکومت رسیدند که در این زمینه می‌توان به محمدرحیم میرزا و شجاع‌الدوله اشاره نمود.[۴] در سال ۱۲۷۱ق. محمد رحیم میرزا ضیاءالدوله که برای چهارمین بار حاکم خوی گردید و حکومت وی تا سال ۱۲۸۲ق. دوام یافت کارهای عمرانی زیادی را از جمله تعمیرات قلعهٔ خوی و خندق دور آن، لزوم تغییر باغ دلگشا و درختکاری خیابان‌های خوی انجام داد.[۵] اکثر جهانگردانی که از خوی دیدن کرده‌اند در مورد موقعیت تجاری، رونق کشاورزی، زیبایی بازار و فعالیت سوداگران آن سخن گفته‌اند. حاج سیاح که در زمان حاجی سیف‌الدوله در سال ۱۲۹۹ق. از خوی دیدن کرده بود می‌نویسد:« ... خوی شهری ممتاز است که قلعه، خیابان و بازار و دروازه‌اش شطرنجی و متقابل ساخته شده، ... تجارت خوی نیز اجناس طبیعی است: حیوان، پوست، روغن، خشکبار، همچنین فرش...».[۶] با این حال در اواخر عصر ناصری، شکوه حکمرانی در خوی کاهش یافت

۱ جهانگیر میرزا، همان، ص۱۱۴.
۲ همان، ص۱۳۹.
۳ هدایت، همان، صص۸۶–۸۷.
۴ ریاحی، همان، صص۳۷۱–۳۷۲.
۵ فرخ‌بن‌مهدی امین‌الدوله (۱۳۴۶)، *مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین الدوله*، ج۱، تهران: دانشگاه تهران، صص۱۱۶–۱۱۷.
۶ حاج سیاح (۱۳۵۶)، *خاطرات*، به کوشش حمید سیاح، تهران: امیرکبیر، صص۲۵۹–۲۶۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

و مدت اشتغال حاکمان نیز کوتاه‌تر گردید.[۱]

۳. آشفتگی‌های پسامشروطه و نابسامانی در اقتصادی خوی

در دورهٔ استبداد صغیر (۱۳۲۴–۱۳۲۷ق) خوی به‌عنوان یکی از مراکز آزادی‌خواهی در شرایط جنگ با سپاه ماکو و کردان قرار گرفت. در آن روزها بر اثر ناامنی و مدتها قتل و غارت ماکویی‌ها در روستاهای اطراف، مالیهٔ خوی وضع بدی داشت.[۲] جمع‌آوری مالیات دیوانی و پرداخت مواجب مجاهدان به دشواری ممکن می‌شد. مجاهدان از یک طرف به ادارهٔ مالیه و انجمن فشار می‌آوردند و از طرف دیگر از توانگران شهر اخاذی‌هامی‌کردند.[۳] به هر حال طبیعی است که در دوره نزاع، وضع مالی شهر چندان خوب نباشد. علی‌الخصوص زمانی که خود شهر تحت تاخت‌وتاز لشکری خونخوار از کردان قرار بگیرد، بازار و تجارت کسادمی‌شود و مردم از ترس جان و مال خود در خانه‌ها پناه می‌گیرند و از بیم غارت جرأت تجارت ندارند.[۴] از اواخر سال ۱۳۲۹ق. با اشغال خوی توسط روس‌ها، دوران رکود بازرگانی این شهر دوباره نمایان گردید.[۵]آنها در طی این نه سال اشغال خوی از هیچ ظلمی فروگذار نکردند،[۶] بازار را به آتش کشیدند و چندین تن را به هلاکت رساندند.[۷] کاروانسراها و ارگ حکومتی را در اختیار گرفتند.[۸]

با خروج روس‌ها شهر خوی دچار بلای دیگری به نام مسیحیان شد، چرا که با تحریک عثمانی‌ها، آندرانیک رهبر ارامنه، خوی را در سال ۱۳۳۶ ق. تسخیر کرد. اما زیانی که به اقتصاد شهر وارد شده بود باعث قحطی و گرانی شدید گردید به‌طوری‌که قیمت گندم که در سال‌های قبل از جنگ جهانی طبق گزارش‌های تلگرافی خرواری ۵تا۶ تومان بود، به خرواری ۹۰ تا ۱۰۰ تومان رسید و شمار کسانی که از گرسنگی جان سپردند از حد گذشت.[۹]

---

۱ احمدکاویان‌پور (۱۳۴۶)، *تاریخ عمومی آذربایجان*، تهران: مؤسسه انتشارات آسیا، ص۲۲۳.
۲ عبدالامیرشیخ‌الاسلام (۱۳۵۶)، *دو سند از انقلاب مشروطه*، تهران: توکا، ص۲۸.
۳ اسناد وزارت مالیه (۱۳۲۸ق)، کارتن ۳۵، پروندهٔ ۴ سند ۶۷۳۷، ۵۵۲۳مرکز اسناد وزارت خارجه.
۴ محمدرحیم نصرت ماکویی (۱۳۷۳)، *تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو*، قم: انتشارات علمیه، صص۴۵-۴۶.
۵ ادواردبراون (۱۳۵۱)، *نامه‌هایی از تبریز*، ترجمهٔ حسن جوادی، تهران: خوارزمی، ص۱۴۸.
۶ محمدتمدن (۱۳۵۰)، اوضاع *ایران در جنگ اول یا تاریخ رضائیه*، تهران: انتشارات مطبوعاتی تمدن، ص۱۴۳.
۷ ابوالقاسم امین الشرع (بی‌تا)، *خاطرات*، به کوشش علی صدرایی خویی، [بی‌جا]: [بی‌نا]، صص۱۶۷–۱۶۸.
۸ ادوارد براون، همان، ص۱۴۸.
۹ تمدن، همان، صص۱۱۸–۱۲۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

در زمان امیر امجد حاکم خوی (۱۲۹۷ش/۱۳۳۶ق) در طی شش ماه که خوی در اختیار عثمانی قرار گرفت، دوباره بازار به حالت کساد درآمد که یکی از دلایل آن برگه‌های قائمه بود. دولت عثمانی برای تأمین مخارج جنگ اسکناسی به‌عنوان قرضهٔ ملی قائمه چاپ کرده به دست سپاهیان می‌داد که در داخلهٔ عثمانی پول رایج بود، اما در خارج از عثمانی ارزشی نداشت. صراف‌ها هر قائمه را به چند قران می‌خریدند و به عثمانی می‌فرستادند که آنجا فروخته شود. ولی عسگرهای عثمانی هر قائمه را پنج تومان حساب کرده و می‌خواستند در معادلات خود با کسبه به همین میزان ارزش آن را دریافت دارند. اندک اندک این مسئله موجب درگیری‌هایی شد.عثمانی‌ها وقتی در ۸آبان ۱۲۹۷ش./۱۳۳۶ق. منطقه را ترک کردند دست خالی نرفتند. نصرت لشکر از قول عبدالرحمان بیگ مدیر اقتصاد و اموال آنها نقل کرده است که:«۳۵ هزار سماور می‌بریم» و خود بر آن افزوده است که:«این رقم اغراق نیست. مردم آن صفحات برای کارکردن به قفقاز می‌رفتند، و در بازگشت سماور و اشیاء برنجی با خود می‌آوردندو در هر خانه یکی دو تا پنج سماور بود. آنها همگی نصیب عثمانیها شد».[۱]

بنابراین اجبار کردن مسئولین و مردم خوی به تأمین اجباری احتیاجات ارتش عثمانی و عدم پرداخت مبلغی بابت این تسهیلات، خسارات وارده به زمین‌های دولتی و شخصی، مجبور کردن اهالی خوی به خرید پول رایج عثمانی‌ها به نام قائمه آن هم به قیمت بالا و دریافت مالیات‌های نقدی و جنسی را می‌توان بخشی از خسارات واردهٔ مالی از سوی عثمانی‌ها دانست.[۲]میزان این خسارات به شرح جدول ۱ در زیر است.

جدول ۱. خسارات مالی وارده به خوی به تومان[۳]

روس‌ها	۱۵۰۰۰/۰۰۰
عثمانی‌ها	۱/۵۰۰/۰۰۰
جمع	۱۶/۵۰۰/۰۰۰

۱ نصرت ماکویی، همان، ص۷۲.

۲ مرکز اسناد وزارت خارجه ایران (۱۳۳۷ق)، کارتن ۶۷، پرونده۱، سند۴۷، ۵۰ و۱۱۶.

۳ مرکز اسناد وزارت خارجه ایران (۱۳۳۷ق)، کارتن ۶۷، پرونده۱، سند۱۱۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

با خروج عثمانی از خوی اوضاع رو به بهبود نهاد و امنیتی که لازمهٔ فعالیت‌های اقتصادی بود فراهم شد. اما باز بلایی بر منطقه نازل شد که آرامش را برهم زد و آن فتنه اسماعیل سیمیتقو بود. غرب آذربایجان از بهمن ۱۲۹۷ش. تا مرداد ۱۳۰۱ش. دچار تاراج و غارت گردید،[۱] چراکه از یک‌سو روستاهای اطراف مدام عرصه تاخت و تاز و تاراج افراد آنها بود و اهالی از امام جمعه خویی استمداد می‌خواستند[۲] و از دگر سو ناامنی و آشوب به زراعت و تجارت و کسب و کار مردم و به‌طور کلی اقتصاد منطقه لطمه‌های شدیدی زد. این شرارت‌ها تا سال ۱۳۰۱ش.به‌طور مداوم ادامه داشت[۳] تا اینکه دولت وقت با استفاده از ارتش جدیدی که ساخته بود، به‌وسیلهٔ سرتیپ امان‌الله خان جهانبانی توانست با کشتن وی شر او را دفع کند.[۴]

زیرساخت‌های ضروری برای توسعه تجاری خوی

۱. راه‌های خارجی و داخلی خوی در دورهٔ قاجار

عمده‌ترین راه‌های ارتباطی ایران با اروپا در دورهٔ قاجار از طریق خشکی از طرابوزان– خوی به تبریز بود.[۵] به‌علت نزدیکی راه‌های تجاری از طریق عثمانی به اروپا، بازرگانان ایرانی علاقه وافری به صدور کالای خود از طریق خوی به طرابوزان داشتند.[۶] فهرست منزل‌های کاروانی بین طرابوزان و تبریز و مدت مسافرت از روی ساعت (مثلاً حرکت یک حیوان باربر در ساعت) توسط کلنل استوارت[۷] در سال ۱۸۳۲م. چنین آمده است: طرابوزان حویزلیک ۶ساعت، خمس کل۵، ارداب ۸، گمش خانه۵، مرادخان ۵، کدراک۵، بای بورت ۶، کوپ داغ خان ۶، آش قلعه ۹، ایلیچا۸، ارزروم ۳، حسن قلعه ۶، عمراکوم ۵، دلی بابا ۶، طیار ۵،ملاسلیمان ۷، قره گلیسا ۷، تشلی چای ۵، دیادین ۶، قزل دیزه ۵،آواجیق (مرز ایران) ۵، قرائینه ۷، رورووا ۶،

۱ آرشیوملی ایران (بی‌تا) ۷۹۴۴/۲۹۵ آلبوم شماره ۱-۶۱۳.
۲ وزارت داخله (۱۲۹۹)، سند شماره ۲۹۰۰۰۵۲۰۸، مورخه برج سنبله ۱۲۹۹ه.ش، شماره پرونده ۱۴۵ن ۲آ ب ۱.
۳ وزارت داخله (۱۳۰۱ش)، شماره پرونده ۴۰۷ک۴آ آ ۱، شماره سند ۲۰۰۱۴۸۷۸.
۴ تمدن، همان، ص۲۱۶.
۵ کالایی که از انگلستان از راه طرابوزان- خوی به مقصد تبریز ارسال می‌شود از راه طرابوزان از ۵۰ تا۶۵روز طول می‌کشد و از طریق تفلیس حدود ۸۵ روز به طول می‌انجامد. تجار ترجیح می‌دهند کالای خود را از راه طرابوزان- خوی وارد کنند (چارلزعیسوی (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، ص۱۷۶).
۶ آرشیو ملی ایران (۱۳۰۴ق)، اداره تلگرافی دولت علیه ایران، شماره سند۷۵-۵۶۴.
7 Colonel Stuart

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

پره ۶، خوی ۳، سید حاجی ۵، نسیه ۶، دیزاخلیل ۷، میانه ۶، تبریز ۳ ساعت و جمعاً ۱۷۲ ساعت. یا به حساب سه میل در ساعت ۵۱۶ میل. سرهنگ استوارت این مسافت را در سال ۱۸۳۵م.، ۴۹۰ میل محاسبه کرده بود.[۱]

کاروان‌های بازرگانی بعد از ورود به خوی از دروازه استانبول خارج می‌شدند و پس از گذشتن از دسته دره، از راه سکمن‌آباد و آواجیق به طرف وان راه خود را به سوی ارزروم و طرابوزان ادامه می‌دادند.[۲] راه سکمن‌آباد پررفت‌وآمدترین راه ارتباطی خوی بوده است که وجود ویرانه‌های کاروانسراهای متعدد در شوریک، قوردیک، قشلاق، پره (فیرورق)و... رونق این مسیر را نشان می‌دهد.از سوی دیگر از خوی به تبریز دو راه بود که یکی از این راه‌ها از راه مرند و صوفیان و دیگری از راه دیزجدیز-تسوج و شبستر بود.[۳] و راه دیگری نیز وجود داشت که جلفا را به ارومیه وصل می‌کرد[۴] که این راه نیز از طریق خوی بود.[۵]

با این حال اقتصاد تجاری خوی که در ادوار مختلف دچار نوسان بوده است تا دوران قاجار توانسته بود مرکزیت اقتصاد منطقه را به خود اختصاص دهد و این به خاطر قرار گرفتن بر سر شاهراه‌های تجارتی شرق به غرب و شمال به جنوب بود.

۲. راهداری خوی در دورهٔ قاجار

به سبب اهمیتی که شهر خوی از نظر اقتصادی در منطقه داشت، تا سال ۱۳۲۲شمسی مرکز گمرک شمال‌غرب ایران بودو دفاتری در جلفا، بازرگان، قراعینی (چالدران)، سلماس و سرو داشت.[۶] همین اهمیت اقتصادی سبب شده بود که خوی نیز مانند شهرهای مهم آن دوره، دارای چندین دروازه[۷] باشد. این دروازه‌ها اهمیت استراتژیک فراوانی برای دفاع از شهر داشتند و از

1 Colonel Stuart (1854),*Journal of a residence in northern Persia*, London, pp.126-131.

۲ ریاحی، همان، ص۳۹۷.

۳ محمدعلی جمال‌زاده (۱۳۷۶)، *گنج شایگان*، تهران: بنیاد موقوفات افشار، صص۴۶و۶۳-۶۷.

۴ راه جلفا و نخجوان به ارومیه از طریق خوی از جلفا به خوی با کاروان ۳روز، از جلفا به سلماس با کاروان ۵روز، از جلفا به ارومیه با کاروان از راه صوفیان ۱۰ روز بود. (جمال‌زاده، همان، صص۶۳-۶۷).

۵ همان، صص۶۳-۶۷.

۶ آرشیو ملی ایران (۱۳۰۴ق)، شماره سند۸-۴۷۲.

۷ دروازه چورس، دروازه شوراب، دروازه استانبول که بعدها دروازه محله نامیده شد و دروازه خیابان که هنوز نام دروازه سنگی باقی است. (عباس ملاعباس‌زاده (۱۳۸۹)، «کوچه‌های قدیم خوی»، *مجله خوی نگار*، ش۶، صص۲۶-۲۷).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

سوی دیگر حکام از این دروازه‌ها درآمد بسیاری کسب می‌نمودند.[۱]

اما قیمت (حد وسط) برای واردات راه‌های خارجی تجارتی (از طرابوزان به خوی) اگربراساس عدل باشد ۲۸/۵ تومان هر قنطار ۷۶ منی و اگر براساس صندوق باشد ۵تا۶تومان بیشتر از قیمت عدل برای قنطاربود. اما برای صادرات به ازای هر بار شتر ۸۰منی ۸ تا ۱۰ تومان اخذ می‌گردید.[۲]

بنابراین بازرگانان برای هر عدل به ترتیب زیر حقوق گمرکی می‌پرداختند:

راهدار لیک درخوی	۳/۱۵ قران
راهدار لیک در هفت چشمه	۳/۱۵ قران
حق گمرکی وارداتی ۲درصد	۹/۱۲ قران
حقوق گمرکی قدیمی که حالا احیا شده	۵/۰۰ قران
	کل ۲۲/۲۰ قران[۳]

اما سندی که به خط سیاق در مورد بودجهٔ خوی و سلماس در سال ۱۳۱۶ق. در عصر مظفرالدین شاه توسط میرزا محمدخان تحویلدار از منطقه تنظیم شده نشان از موقعیت تجاری خوی در این دوره دارد. چرا که بابت بار تجاری از خوی ۸۴۳ تومان و ۵۶۵۰ دینار و از سلماس ۸۵۸تومان و ۵۸۵۰ دینار در همان سال گردآوری شده است.[۴]

پس از قرارداد گمرکی ایران و روسیه در سال ۱۳۱۹ق. در زمان مظفرالدین شاه، ژوزف نوز مشهور به مسیونوز[۵] بلژیکی در رأس تشکیلات گمرک ایران قرار گرفت و معاون وی، دکتر کرکر رییس گمرک خوی بود تا سال ۱۳۲۲ش. که راه‌های آبی در جنوب کشور رونق نداشت، خوی محل عبور و مرکز واردات و صادرات کالاهای وارده از کشورهای ترکیه و روسیه و مرکز توزیع داخل کشور بود.[۶]

عمومی‌ترین وسیله حمل و نقل که در آن زمان مورد استفاده قرار می‌گرفت شتر بود که

۱ محمدمهریار (۱۳۷۸)، *اسناد تصویری شهرهای ایران*، تهران: سازمان میراث فرهنگی، دانشگاه شهید بهشتی، ص۳۸.

۲ جمال‌زاده، همان، صص ۴۵، ۴۷، ۱۳۰.

۳ عیسوی، همان، صص۱۲۱-۱۲۲.

۴ اسداله‌عبدلی آشتیانی (۱۳۹۲)، *کمیته تخصصی خط سیاق، بازخوانی سند صورت جمع و خرج به خط سیاق در دوره مظفرالدین شاه قاجار ۱۳۱۶ه.ق*، نشانی: سایت syagh.majmouedar.com.

5 Joseph Naus.

۶ آرشیو ملی (۱۳۰۴ق)، اداره تلگرافی دولت علیه ایران، شماره سند ۱۲۱-۵۶۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

بازرگانان و دیگر مسافران طبعاً شترچی‌ها را برای تجارت خود به خدمت می‌گرفتند و به‌ندرت مالک چارپایانی بودند که مورد استفاده قرار می‌دادند. در نتیجه، شترچی یکی از بخش‌های عمده نظام تجاری منطقه به حساب می‌آمد.[۱] در این مورد می‌توان از کوچه دوه‌چی‌لر در خوی یاد کرد، این کوچه بین کوچه آقاسی و کوچهٔ توتلو نزدیک جنوب غربی حصار خوی واقع شده است.طایفه‌ای که در قدیم به شغل تجارت و حمل کالا با شتر از طرابوزان به خوی و تبریز اشتغال داشتند، در این کوچه سکونت اختیار کرده بودند.[۲]

۳. جایگاه بازار در تجارت خوی

بازار خوی مرکز ثقل اقتصادی و کانون نظام سرمایه است. در بنای بازار خوی، با معماری سنتی، سه بخش عمده را می‌توان مشاهده کرد: گذرگاه‌های اصلی و فرعی (راسته)، مجتمع‌های تجاری دارای انبارها و محل‌هایی برای سکونت موقت بازرگانان (کاروانسرای خان=خان کاروانسراسی؛ و سرای میرهاشم و چیت‌ساز)و مجتمع‌های تجاری که امکان سکونت نداشته‌اند (تیمچه‌ها). بازار خوی با راسته‌ها، حجره‌ها و چهارسوق‌ها بیش از ۳۰۰ سال قدمت دارد و هنوز نبض اقتصاد شهر و منطقه در آن می‌تپد.

علاوه بر آن در بازار خوی، پیشه‌وران به اصناف دسته‌بندی می‌شدند به همین جهت راسته‌هایی مشتمل بر گذرگاه‌ها و محله‌هابه مشاغل گوناگون اختصاص یافته بود. در دورهٔ قاجار به دلیل اهمیت تجاری بازار، عباس میرزا و حاکمان خوی به تعمیر و اضافات آن پرداخته‌اند.

استوارت در مورد رونق بازار خوی آنجا را به بازار وکیل شیراز همانند دانسته و از کالاهای گوناگون و فعالیت سوداگران سخن گفته است.[۳] همچنین حاج سیاح در یادداشت‌های خود شهر خوی را شهری غنی و تجارتی دانسته است که از رونق بازار و اقتصاد مرفه آن حکایت دارد.[۴]

در طول نه سال اشغال روس‌ها، بازار خوی دچار حوادث بسیاری شد که در رونق تجارت منطقه تأثیرگذار بود. سالدات روس در شب ۲۹ صفر سال ۱۳۳۶ق. حتی در موقع

---

۱ عیسوی، همان، ص۱۱۲.

۲ ملاعباس‌زاده، همان، ص۱۰.

۳ ابوالقاسم‌طاهری (۱۳۴۷)، جغرافیای *تاریخی گیلان، مازندران و آذربایجان از نظر جهانگردان*، تهران: [بی‌نا]، ص۱۳۸.

۴ حاج سیاح، همان، ص۲۶۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

بازگشت به روسیه بازار را غارت کردند صبح آن روز معلوم شد که: «ایپکچی بازار، خرازی بازار، باروتچی بازار، کوزه‌چی بازار، سراج بازار را آتش زده‌اند. کاروانسراها و دکان‌های قپان دبی و میدان نمک و دکان‌های جعفرقلی‌خان سالم مانده بود».[۱]

۴. جایگاه کاروانسرا در تجارت خوی

تجارت همیشه در خوی نقش بزرگی ایفا می‌کرد. در دورهٔ قاجار برطبق آمارهای اقتصادی دولت عثمانی روزانه سه هزار شتر حامل کالا از طرابوزان به مقصد ایران حرکت می‌کردند و اگر این مقدار نیز از شرق به طرف عثمانی حرکت نمایند، در واقع شهر دارالصفای خوی، روزانه پذیرای شش هزار شتر و شاید انسان‌هایی در این حدود بود.پس برای رفاه حال مسافرانش حمام و کاروانسرا با حجره‌های متعدد لازم داشت که تجار کالاهای خود را به شرکت‌های حمل و نقل (کاروان‌ها) می‌دادند تا توسط شتر حمل شود. از بناهای شهر خویکه در درون شهر و در مجموعه بازار قدیمی شهر خوی قرار دارد، کاروانسرای خان است که چهل حجره تاجرنشین دارد.[۲] در اواخر قاجار کاروانسراها محل انبار غله از سوی سودجویان برای حمل به عثمانی و یا محل سکونت مردم شکست‌خورده خوی در برابر تهاجمات داخلی و خارجی تلقی می‌شد.[۳] علاوه بر آن در طی اشغال روس‌ها کاروانسراها در اشغال کامل آنها بود.[۴]

۵. ضرابخانهٔ خوی در دورهٔ قاجار

خوی در دوره قاجاریه به‌خاطر موقعیت تجاری به داشتن سکه‌های سیم و زر معروف بود. ضرابخانه خوی را جزو شهرهایی نوشته‌اند که سکه‌های زرین و سیمین شاهان قاجار در آن ضرب می‌شده است.[۵] بر روی سکه‌های مضروب خوی نیز لقب دارالصفا نقش بسته بود. از آن جمله سکهٔ نقره‌ای است که در سال ۱۲۷۱ق. در خوی ضرب شده است.[۶]

اشاره به این نکته ضروری است که تمام ضرابخانه‌های سطح کشور در این دوره و قبل از آن

۱ امین‌الشرع، همان، صص۱۶۷-۱۶۸.
۲ همان، ۱۳۴.
۳ شهریارضرغام (۱۳۶۹)، *گزارش‌های تلگرافی آخرین سالهای عصر ناصرالدین شاه*، تهران: انتشارات پوریا،صص۳۰-۳۱.
۴ ادوارد براون، همان، ص۱۴۸.
۵ ابوالحسن‌دیانت (۱۳۶۷)، *فرهنگ تاریخی سنجشها و ارزشها*، ج۲، تبریز: انتشارات نیما، ص۱۰۲.
۶ ریاحی، همان، ص۳۰۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

نیز اجازه ضرب همه نوع سکه را نداشتند. برای نمونه سکه‌های طلای آقامحمدخان قاجار در ۱۳ شهر مانند اصفهان، ایروان، تبریز، خوی و... ضرب می‌گردید.[۱] از دورهٔ فتحعلی‌شاه سکه‌های متعدد طلا، نقره و مس ضرب خوی در موزه‌های داخل و خارج کشور ثبت و ضبط شده ولی از دورهٔ سلطنت محمدشاه سکه‌های متعدد ضرب خوی به دست نیامده است.[۲]

واپسین کلام اینکه ضرابخانه‌های شهرستان‌ها از جمله خوی تا سال ۱۳۰۶ق. دایر بود. در این سال به دستور ناصرالدین‌شاه تمام ضرابخانه‌های شهرها تعطیل شدند.[۳] متأسفانه از محل ضرابخانه خوی و نحوه اداره‌کرد آن در دوره قاجاریه اخبار و اطلاعاتی در دست نیست. در دورهٔ مشروطه چون خوی نبض تجارت آذربایجان با روسیه بود، بیشتر تجارت مردم با منات سفید (نقره) یا منات کاغذی بود ولی در کنار منات و پول محلی ایران، پول نقره و طلای عثمانی که اشرفی سفید و اشرفی طلا نام داشت، هم در جریان بود. ولی بعد از شکست روسیه و خارج شدن سپاه آن دولت از ایران معاملات مردم منطقه براساس پول طلای عثمانی بود.[۴]

جایگاه تجار خوی در دورهٔ قاجار

تجار منطقه نقش بسیار مهمی در حیات اقتصادی خوی ایفا می‌کردند، چرا که موقعیت بازرگانی منطقه سبب شده بود خوی تا دورهٔ قاجار مرکزیت اقتصاد منطقه را به خود اختصاص دهد.[۵] این مرکزیت هم تحت تأثیر دوعامل تجارت و کشاورزی بوده است، چرا که یکی از مشاغل اصلی ساکنان خوی به‌خاطر قرار گرفتن بر سر شاهراه تجارتی معروف ابریشم که غرب و شرق را به هم متصل می‌نمود، شغل تجارت و دادوستد بوده است.بیشتر بازرگانان ایرانی در طرابوزان و استانبول از مردم خوی بودند. در خاطرات افراد مختلف از تجار مشهور خویی در شهرهای طرابوزان، استانبول، باکو، قفقاز و غیره نام برده می‌شود. در مجموعهٔ اسناد فرخ‌خان غفاری می‌بینیم که سه نفر از بزرگ‌ترین بازرگانان استانبول به نام‌های حاج میرزا ابراهیم تاجر خویی، حاج سیدعلی تاجر خویی، حاج حسینعلی تاجر خویی، اهل خوی

۱ محمدمشیری (۱۳۵۱)، *سکه‌های آقا محمد خان قاجار و پدرش محمد حسن خان قاجار*، تهران: گوتنبرگ، ص۱۵.
۲ داریوش‌شهبازی (۱۳۸۰)، تاریخ *سکه (دوره قاجاریه)*، تهران: انتشارات پلیکان، ص۱۵۱.
۳ ترابی طباطبایی (۱۳۷۱)، *سکه‌های ماشینی و مقدمه‌ای بر سکه شناسی*، تبریز: انتشارات فروغ آزادی، ص۱۲.
۴ عباس‌زریاب خویی (۱۳۷۴)، خاطرات، *مجله تحقیقات اسلامی*، نشریه بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ش۱و۲، س ۱۰، ص۲۱.
۵ اداره تلگرافی دولت علیه ایران (۱۳۰۴ق)، شماره سند۱۱۲-۵۶۴، سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

هستند.[۱] در سال ۱۳۰۰ق. در نتیجه توسعه روابط تجاری بین طرابوزان و خوی و تبریز نوعی از تجارت توسط نمایندگان سیار از جمله حاج مهدی و حاج علی جلودار نیز رونق یافت.[۲] در سال ۱۳۰۲ق.، میرزامحمدحسین فراهانی در سفرنامه قفقاز-عثمانی-مکه خود می‌گوید:«هنوز ۸۰۰ تبعهٔ ایران در طرابوزان و اطراف آن هستند که ۵۰ تاجر، و باقی کسبه و متفرقه‌اند. و از تجار معتبر طرابوزان هشت تن را نام می‌برد که پنج تن از آنها خویی هستند (حاج ملاعلی خویی، حاج علی‌اصغر خویی، ملا ابوطالب خویی، آقامحمدعلی خویی، آقاجان خویی).[۳]

حتی در اواخر قاجار هم قدرتمندترین قشر اجتماعی همین تجار بودند که کسروی در این مورد می‌نویسد:«آذربایجان در بازرگانی و فرستادن کالا به کشورهای بیگانه از همهٔ مردم ایران جلوتر می‌بودند و در همهٔ کشور قفقاز، از تفلیس و باکو و باتوم و عشق آباد و دیگر رشته‌های بازرگانی را اینان در دست می‌داشتند. همچنین در استانبول و دیگر شهرهای عثمانی و برخی از شهرهای اروپا در بازرگانی دست‌گشاده داشتندی».[۴]

اوژن اوبن سفیر فرانسه در ایران که در سال‌های پرتلاطم انقلاب مشروطیت در تهران بوده است، بیان می‌دارد که بازرگانان خویی تجارت پرسودی با روسیه داشتند.[۵] از اصناف ثروتمند و مرفه این دوره می‌توان به دباغان تاجر خویی اشاره نمود که در اصطلاح آن روز از آنها به‌عنوان حاجی یاد می‌شد.[۶]

موقعیت تجاری خوی و جایگاه تجار آن باعث شده بود که پس از صدور فرمان مشروطه دوازده نماینده از اصناف مختلفهٔ آذربایجان برای تدوین قانون اساسی به تهران اعزام شوند. نمایندگان خوی که به جهت انتخاب انجمن ایالتی به تبریز اعزام شدند عبارت بودند از: حاجی حسن آقا تاجرباشی، حاجی ملاآقا تاجر، آقای سعیدی، فتحعلی‌خان سرهنگ، لطفعلی‌خان سرتیپ، حاجی خلیل فتحی، علیزاده خویی و حاجی علی اصغر پارسا تاجر.[۷] بر اساس اسناد در فهرست اسامی تجار خویی که در تهران به جهت دعوت برای جشن سالگرد

۱ فرخ خان، همان، ص۳۱۶.
۲ اداره تلگرافی دولت علیه ایران، همان، شماره سند۷۴-۵۶۴، سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
۳ حسن‌فراهانی (۱۳۸۵)، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، صص۱۰۴-۱۰۵.
۴ احمدکسروی (۱۳۱۹)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص۱۷۸-۱۷۹.
۵ اوژن‌اوبن (۱۳۶۲)، *ایران امروز*، ترجمهٔ علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، ص۸۱.
۶ زریاب، همان، ص ۲۱.
۷ مهدی‌آقاسی (۱۳۵۰)، *تاریخ خوی*، تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ص۲۹۵.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

مشروطیت حضور داشتند می‌توان به مشهدی محمد خویی و حاج کاظم خویی اشاره کرد.[۱] انتخاب این بازرگانان به‌عنوان نمایندگان خوی برای انجمن ایالتی از متنفذ بودن آنها در بین مردم حکایت داشت.

از بخت نیک گزارش‌های چهارسالهٔ آخر عصر ناصرالدین شاه که از تلگرافخانهٔ خوی به دربار شاه مخابره شده است وجود دارد. در این گزارش‌ها می‌بینیم که در همان سال‌ها، بازرگانان به علت تماس شغلی با جهان خارج بیدارترین طبقات بودند که در برابر تعدیات مأمورین گمرک و راهداری ایستادگی می‌نمودند و کالاهای خود را در بیابان می‌ریختند (ذیحجه ۱۳۱۰ق.). یک روز هم به خاطر اختلاف با حکومت دکان‌های خود را بسته و اعتصاب می‌کردند.[۲]

از سوی دیگر افزون‌طلبی مأموران مالیاتی و همچنین اخذ عوارض گمرکی پرنوسان توسط مأموران داخلی و عثمانی و بی‌قانونی سبب گردیده بود که تجار دل خوشی از حکومت نداشته باشند. به همین جهت تجار در سال ۱۳۲۸ق. طی تلگرافی به مرکز شکایت کردند[۳] که در بین این تجار می‌توان به حاجی محمد تاجر خویی و حاجی سید حسین خویی اشاره نمود.[۴]

تولیدات خوی

قالی ازجمله کالاهای تجاری بود که در این دوره از شهرتی جهانی برخوردار بود و زنان درتولید آن سهم زیادی داشتند.این محصول از طریق خوی به کشورهای اروپایی صادر می‌شد، چرا که مواد اولیهٔ آن اعم از پشم و پنبه از خوی به دست می‌آمد.[۵] همچنین طبق گفته علی‌خان، پنبه از مهم‌ترین صادرات شهرستان خوی بود که بعد از صادرات حبوبات از آن یاد کرده است.[۶]

---

۱ راضیه‌یوسفی‌نیا (۱۳۸۸)، *اسناد تجاری ادوار اول تا پنجم مجلس شورای ملی (۱۲۸۵-۱۳۰۴ش)*، تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، صص۴۳۷-۴۴۱.

۲ ضرغام، همان، صص۳۰-۳۱.

۳ اسناد وزارت امور خارجه (۱۳۲۸ق)، شماره ۱۵۶۸۵.

۴ یوسفی‌نیا، همان، ص۱۲۶.

۵ جورج ن. کرزن (۱۳۶۲)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمهٔ وحید مازندرانی، ج۱، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ص۵۹۲.

۶ میرزا علی‌خان‌امین‌الدوله (۱۳۵۴)، *سفرنامه امین الدوله حاج میرزا علی خان صدر اعظم*، به کوشش اسلام کاظمیه، تهران: توس، ص۴۰۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

از دیگر تولیدات خوی می‌توان به تولیدنوعی پارچه بـه نـام چیـت اشـاره نمـود کـه در کارگاه‌های ماهوت‌بافی توسط کارگران صورت مـی‌گرفـت.[۱] مرحـوم زریـاب خـویی نقـل می‌کند: «شهر خوی مانند هر شهری دیگر تا اواخر قرن سیزدهم ق. شهری خودکفا بود: یعنـی اگر مثلاً چندین سال راه تجارت با خارج مسدود می‌شد مردم در مضـیقه نمـی‌افتادنـد. بـرای تابستان لباس‌های نخی از کرباس و متقال و قدک و برای زمستان لبـاس‌هـای پشـمی از پشـم گوسفند. عبابافی در خوی رایج بود و از کرک گوسفند و بز و شتر عباهای اعلی بافته می‌شـد. کاروانسرایی مخصوص رنگرزان و قدکچیان و چیت‌سازان بود. چیت‌سازان، نقش‌هـای قـالبی داشتند که آن را بر رنگ‌های مختلف می‌نهادند و بعد بـر روی پارچـه‌هـای نـازک متقـالی می‌زدند که برای لباس زنان دهاتی و کرد و حتی شهری بود».[۲] همچنـین بنـا بـه گفتـهٔ کنـت گوبینو، گیوه‌های پشمی و دستکش‌های خوب دستباف و ماشین‌باف در خوی تولید می‌شد.[۳]

علاوه بر آن تنگ‌های شیشه‌ای‌رنگ بـا نقـش و نگـار و شیشـه‌هـای رنگـی کـه بـرای پنجره‌های مشبک استفاده می‌گردید، در خوی تولید می‌شد که سیاحان بـه ایـن صـنعت نیـز اشاره کرده‌اند.[۴] از صنعتگران خویی در این دوره می‌توان به میرزا جبار شیشه‌چی اشاره کـرد که بعد از مهاجرت به تهران کارخانهٔ بلورسـازی را تأسـیس نمـود.[۵] اینـک نمونـه‌هـایی از ظروف شیشه‌ای از جمله شیشهٔ چراغ‌های گرد سوز (به اصطلاح محلی لامپـای شیشـه‌ای) در موزهٔ خوی نگهداری می‌شود.

در کنار صنایع ماهوت‌بافی و شیشه‌گـری مـی‌تـوان بـه کارخانـهٔ ذوب مـس کـه بـه آن گدارخانه می‌گفتند،[۶] اشاره کرد. در بازار مسگران انواع دیگ‌ها و طشـت‌هـا و قابلمـه‌هـای مسین ساخته می‌شد،به‌طوری که اثاث مسی در حکم ثروتی برای هر خانه محسوب می‌شد و تمام ادوات آشپزخانه و سفره از مس بود.[۷] صنعت مسگری خوی آنقدر مشـهور بـود کـه در

۱ عبدالرزاق بیگ، همان، ص۱۴۳.
۲ زریاب خویی، همان، صص۳۵-۳۶.
۳ کنت‌گوبینو (۱۳۶۷)، *سه سال در آسیا*، ترجمهٔ عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: توس، ص۱۳۸.
۴ طاهری، همان، ص۱۳۸.
۵ مهدی‌بامداد (۱۳۸۱)، *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*، ج۱، تهران: زوار، ص۱۰۸.
۶ ظاهراً مقصود آن بود که مس‌های قراضه و فرسوده را از نو آب مـی‌کردنـد و صـفحات مسـی بـرای سـاختن دیـگ و سینی و بشقاب از آن می‌ساختند.
۷ زریاب، همان، ص۳۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

شرح حال امیرکبیر آمده است که حاکم خوی، محمدرحیم‌خان، یک یا چند دست ظرف مسی ساخت خوی را برای وی فرستاد که امیرکبیر از پذیرفتن صندوق‌های ظروف مسی سرباز زد، چرا که آنها را محصول فرنگ تلقی کرد.[۱] چارلز استوارت ظروف مسی خوی را به علت استحکام و دوام آن که شهرهٔ عام و خاص بوده، ستوده است.[۲]

از فعالیت‌های صورت گرفته در بازار خوی در دورهٔ قاجار می‌توان به اصنافبزاز، سراج، عطار، کلاه‌دوز، چیت‌ساز و ساغری اشاره نمود[۳] و از صنایعی مانند شمشیرسازی، قفل‌سازی، دکمه‌سازی (که کار صنعتی خاص به نام علاقه‌بند بود)، شمع‌ریزی، عبابافی، چراغ‌سازی (از جنس آهن و مس و فلزات دیگر)، حلبی‌سازی و صابون‌سازی یاد کرد.[۴]

در مورد تولیدات کشاورزی، آثار سیاحان حاوی مطالب سودمندی دربارهٔ محصولات کشاورزی خوی است. در این آثار با عناوین محصولاتی نظیر هندوانه، سنجد، خربزه، توت، خیار و غیره برخورد می‌کنیم. این آگاهی‌ها از یک سو نشانگر دادوستدهای متنوع محصولات کشاورزی بوده، از سوی دیگر با توسعه و پیشرفت عالی کشاورزی آن ارتباط دارد. بنابراین پایه و اساس اقتصاد خوی علاوه بر تجارت، کشاورزی و باغداری نیز بوده است. اشاره ژوبر در سال ۱۲۲۱ق. به درختان زردآلو، توت و تاک در کنار شالیزارها[۵] نکتهٔ مهمی برای شناخت تولیدات عمدهٔ آن روز خوی است.

واردات خوی در دورهٔ قاجار

از جمله کالاهایی که از طریق خوی از عثمانی به ایران وارد می‌شد،می‌توان به کالاهایی مانند مخمل، پارچهٔ ابریشمی گلدار ضخیم، پشمینه‌جات فرانسوی و ونیزی پارچه‌های حلبی و دمشقی، ظروف کریستال (شامل شیشه‌های رنگی)، آینه و آهن، فولاد، سخت‌افزار، تریاک، چوب رنگرزی، رنگ قرمز روشن، سرب سفید وجواهرات اشاره نمود. از آنجا که مابه‌التفاوت بازرگانی این کالاهای مصرفی از نظر امپراتوری عثمانی غیرقابل قبول باقی مانده

۱ علی اکبرهاشمی رفسنجانی (۱۳۶۳)، *امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ص۳۶۷.
۲ طاهری، همان، صص۱۳۷-۱۳۸.
۳ مرکز اسناد آستان قدس رضوی (۱۲۷۱)، سند شماره ۹۳۰۱۶.
۴ زریاب، همان، ص۳۷.
۵ ژوبر، همان، ص۱۱۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

بود، سالانه مقدار قابل توجهی از مسکوکات ضرب شده از طلا به ایـران فرسـتاده مـی‌شـد و سپس از آنجا به هند صادر می‌گردید تا این مابه‌التفاوت را برای ایران در منطقه جبران کنـد.[۱] قند و شکر و چیت، لباس‌هـای پشـمی روس و لهسـتان از راه قفقـاز بـه آذربایجـان و خـوی می‌رسید. حتی نفت تصفیه شده برای چراغ‌های نفتی منازل از روسیه وارد می‌شد، زیرا آوردن نفت جنوب ایران به شمال در آن زمان مقرون به صرفه نبود.[۲]

ارزش واردات آذربایجان در طی سال‌های ۱۸۶۸ بـه مقـدار ۱/۳۵۱/۰۰۰لیـره و در سـال ۱۸۶۹م.در حدود ۱/۵۷۵/۷۷۶ لیره و در سال ۱۸۷۰م به ۱۰۹۴۷۱۷ لیره می‌رسید. بنابراین بـا توجه به ارقام گفته شده و با توجه به مقدار قلیل آن در مقابل اجناس وارداتـی مـذکور بایـد این نکته را هم خاطر نشان کرد که کار تجارت قاچاق از راه مرزهای روسیه و ترکیـه نیـز رواج داشت که جزو درآمدهای گمرکی محسوب نمی‌شد و شاید مقدار صـادرات از ایـن راه به همان اندازهٔ طریق مجاز بوده باشد.[۳]

صادرات خوی در دوره قاجار

طبق عایدات گمرک‌خانه تبریز، صادرات ایران به امپراتوری عثمانی را ابریشم، تنباکو، فرش، چرم رنگی، قرمز دانه، صمغ آمونیاک، گل زعفران، پیـه، مـوم و خشـکبار تشـکیل مـی‌داد. علاوه بر چلوارهای انگلیسی مقدار زیادی از صادرات را فروش اسب، گوسفند و گاو توسـط ایلات سرحدات تشکیل داده است.[۴] بیشتر این کالاها از راه خوی به استانبول حمل می‌شـدند و بسیاری دیگر باید مجدداً به کشورهای مختلف اروپایی صادر می‌شدند.[۵]

صادرات کالا از خوی به اروپا که از طریق بندر طرابوزان صورت مـی‌گرفـت بـه‌قـدری رونق داشت که بیش از ۲۰۰ نفر از کسبه و بازرگانان ایرانی در این بندر دفاتر تجاری داشـته یا به تجارت مشغول بوده‌اند.اما حاج سیاح در کتاب خود در مورد محصولات صادراتی خوی

۱ عیسوی، همان، صص۴۰۳-۴۱۱.
۲ زریاب، همان، ص۲۱.
۳ کرزن، همان، ص۶۷۲.
۴ عیسوی، همان، ص۱۷۵.
۵ گوین همبلی؛ مترجم: منصورچهرازی و محبوبه احمدیان (پاییز ۱۳۸۹)، «مقدمه‌ای بر نظام اقتصادی ایـران در اوایـل عصر قاجار»، *مجله نامه تاریخ پژوهان*، ش۲۳، ص۱۹۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

به روسیه می‌نویسد:«محصولات تجاری این شهر اجناس طبیعی مانند حیوان، پوست، روغن، خشکبار و همچنین فرش است».[۱] انگور که به فراوانی در منطقه به عمل می‌آمد اغلب به صورت کشمش فروخته می‌شد.[۲] بنابراین به همین خاطر صادراتی که به روسیه و طرابوزان صورت می‌گرفت به صورت خشکبار بود.[۳]

از مجموع صادرات به روسیه اقلام عمده شامل خشکبار، کشمش، و زردآلو بود که زردآلوها را به قیسی تبدیل می‌کردند و در بسته‌های تجاری به خارج از کشور صادر می‌نمودند که جمع ارزش آنهاتقریباً ۲۰۰۰۰۰ لیره در سال ۱۸۹۰م. و در سال ۱۸۸۸م. معادل ۲۲۲۰۰۰ لیره از جلگه‌های ارومیه و خوی و مراغه به‌وسیله تجار ارامنهٔ روسی از راه اردبیل و آستارا و با کشتی تا بادکوبه حمل شده است.[۴] علاوه بر خشکبار از محصولات صادراتی خوی به روسیه می‌توان به پنبه، پوست و روده و حنا اشاره نمود و از تجارت‌های مهم شهر خوی تجارت پوست دباغی شده بود که بازرگانان به روسیه صادر می‌کردند.[۵]

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی کلی اگر به خوی به‌عنوان منطقه‌ای استراتژیک نگاهی بیندازیم متوجه خواهیم شد که این شهر در منطقهٔ خاصی قرار دارد؛سرزمینی که در طول دوران قاجار تحت تأثیر حملات روس و عثمانی با شرایط سخت و نامطلوبی مواجه شد. از طرفی در طی این دوره مردمان تجارت‌پیشه این منطقه آموخته‌اند که چگونه به‌رغم دشواری خود را با عوامل مختلف تطبیق دهند که نمونهٔ بارز آن سر برآوردن پس از دو دوره ویرانی‌های جنگ ایران و روس و نیز حملهٔ عثمانی‌ها در طول دورهٔ قاجار است. این شهر در هر بار آشوب و جنگ دچار وضعی نامطلوب می‌شد، با این حال خیلی زود قوام اقتصادی خود را باز می‌یافت و در مسائل اقتصادی تجاری حضوری چشمگیر داشت؛ چرا که موقعیت راهبردی- تجاری خوی، در تلاقی ایران با عثمانی و قفقاز، این قلمرو را به گذرگاه مهمی برای عبور تجار داخلی و

۱ حاج سیاح، همان، صص۲۵۹-۲۶۱.
۲ عیسوی، همان، ص۳۸۸.
۳ همانجا.
۴ کرزن، همان، ص۶۷۲.
۵ زریاب، همان، ص۲۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

خارجی مبدل ساخته بود. این همان مقوله‌ای بود که حکمرانان منطقه تا پایان حیات سیاسی خویش در دورهٔ قاجاریه به آن توجه می‌کردند، به‌طوری‌که اقتصاد شکوفا و فعالیت بازرگانی پویا بارزترین ویژگی خوی در دوره قاجار قبل مشروطه است. براساس نظریه‌های توسعه منطقه‌ای بخشی از توسعه خوی و فضیلت آن نسبت به سایر مناطق از جنبهٔ توان منابع آن حاصل می‌شد. استعداد منابع منطقه‌ای این توان را به خوی می‌داد که به منزلهٔ الگوی منطقه‌ای توسعه یابد و به لحاظ اقتصادی- بازرگانی مطرح باشد. به‌طوری‌که در دورهٔ مزبور، به علت نزدیکی راه‌های تجاری از طریق عثمانی به اروپا، بازرگانان ایرانی علاقهٔ وافری به صدور کالای خود از طریق خوی به طرابوزان داشتند.

به سبب اهمیتی که شهر خوی از نظر اقتصادی در منطقه داشت، تا سال ۱۳۲۲ش. مرکز گمرک شمال‌غرب ایران بود. هر یک از جهانگردان در یادداشت‌های خود از شهر خوی به‌عنوان شهری غنی و تجاری یاد کرده‌اند که این امر از رونق بازار و اقتصاد مرفه آن حکایت دارد. علاوه بر آن خوی به‌خاطر مرکزیت اقتصادی از قدیم دارای کاروانسراهای متعددی جهت تخلیه کالا و استراحت بازرگانان بود. همچنین این شهر به‌علت تجاری بودن به داشتن سکه‌های سیم و زر معروف بود. در خصوص تجارت، بیشتر بازرگانان ایرانی در شهرهای طرابوزان، استانبول، باکو، قفقاز و غیره از مردم خوی بودند و حتی در اواخر قاجار هم قدرتمندترین قشر اجتماعی همین تجار بودند که در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی جایگاه والایی داشتند.

با این حال ضعف اقتصادی و سیاسی از اواخر دورهٔ ناصرالدین شاه که بخشی از آن به رکود اقتصادی و سیاسی خود حکومت مرکزی و بخشی نیز به دلیل فقدان حکمرانانی مقتدر پس از مظفرالدین شاه باز می‌گشت، فرصت‌های زیادی برای عثمانی و روس در امور داخلی خوی فراهم آورد. به آتش کشیدن بازار خوی، شورش اکراد در منطقه، سرقت اموال و غیره از مهم‌ترین مصادیق این ادعاست. باید گفت رابطه وثیقی بین آشفتگی‌های مرکز و وضعیت اقتصادی مناطق پیرامون از جمله خوی وجود داشت. هرگاه مرکز دچار آشفتگی و جنگ و اشغال بود، پیرامون نیز راه به قهقرا می‌برد. برعکس ثبات در مرکز به توسعه و رونق خوی نیز انجامیده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

منابع و مآخذ

- آقاسی، مهدی (۱۳۵۰)، *تاریخ خوی*، تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- امین‌الدوله، فرخ‌بن‌مهدی (۱۳۴۶)، *مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین الدوله*، تهران: دانشگاه تهران.
- امین‌الدوله، میرزا علی‌خان (۱۳۵۴)، *سفرنامه امین‌الدوله حاج میرزا علی خان صدر اعظم*، به کوشش اسلام کاظمیه، تهران: توس.
- امین الشرع، ابوالقاسم [بی‌تا]، *خاطرات*، به کوشش علی صدرایی خویی، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز*، ترجمهٔ علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- بامداد، مهدی (۱۳۸۱)، *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*، تهران: زوار.
- براون، ادوارد (۱۳۵۱)، *نامه‌هایی از تبریز*، ترجمهٔ حسن جوادی، تهران: خوارزمی.
- ترابی طباطبایی (۱۳۷۱)، *سکه‌های ماشینی و مقدمه‌ای بر سکه‌شناسی*، تبریز:انتشارات فروغ آزادی.
- تمدن، محمد (۱۳۵۰)، *اوضاع ایران در جنگ اول یا تاریخ رضائیه*، تهران: انتشارات مطبوعاتی تمدن.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۷۶)، *گنج شایگان*، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- جهانگیر میرزا (۱۳۲۷)، *تاریخ نو*، تهران: انتشارات علمی.
- حاج سیاح (۱۳۵۶)، *خاطرات*، به کوشش حمید سیاح، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۴)، *حقایق الاخبار*، تهران: زوار.
- دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷)، *فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها*، تبریز: نیما.
- ریاحی، محمد امین (۱۳۷۲)، *تاریخ خوی*، تهران: انتشارات توس.
- زریاب خویی، عباس (۱۳۷۴)، «خاطرات»، *مجله تحقیقات اسلامی*، نشریه بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ش۱و۲، س ۱۰.
- ژوبر، پیر آمده (۱۳۴۷)، *مسافرت به ارمنستان و ایران*، ترجمهٔ محمود مصاحب، تبریز: انتشارات سپهر.
- شهبازی، داریوش (۱۳۸۰)، *تاریخ سکه (دوره قاجاریه)*، تهران:پلیکان.
- شیخ الاسلام، عبدالامیر (۱۳۵۶)، *دو سند از انقلاب مشروطه*، تهران: توکا.
- ضرغام، شهریار (۱۳۶۹)، *گزارش‌های تلگرافی آخرین سالهای عصر ناصرالدین شاه*، تهران: انتشارات پوریا.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۴۷)، *جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران و آذربایجان از نظر جهانگردان*، تهران: [بی‌نا].
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۵)، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- کاویان‌پور، احمد (۱۳۴۶)، *تاریخ عمومی آذربایجان*، تهران: موسسه انتشارات آسیا.
- کرزن، جورج ن. (۱۳۶۲)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمهٔ وحید مازندرانی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

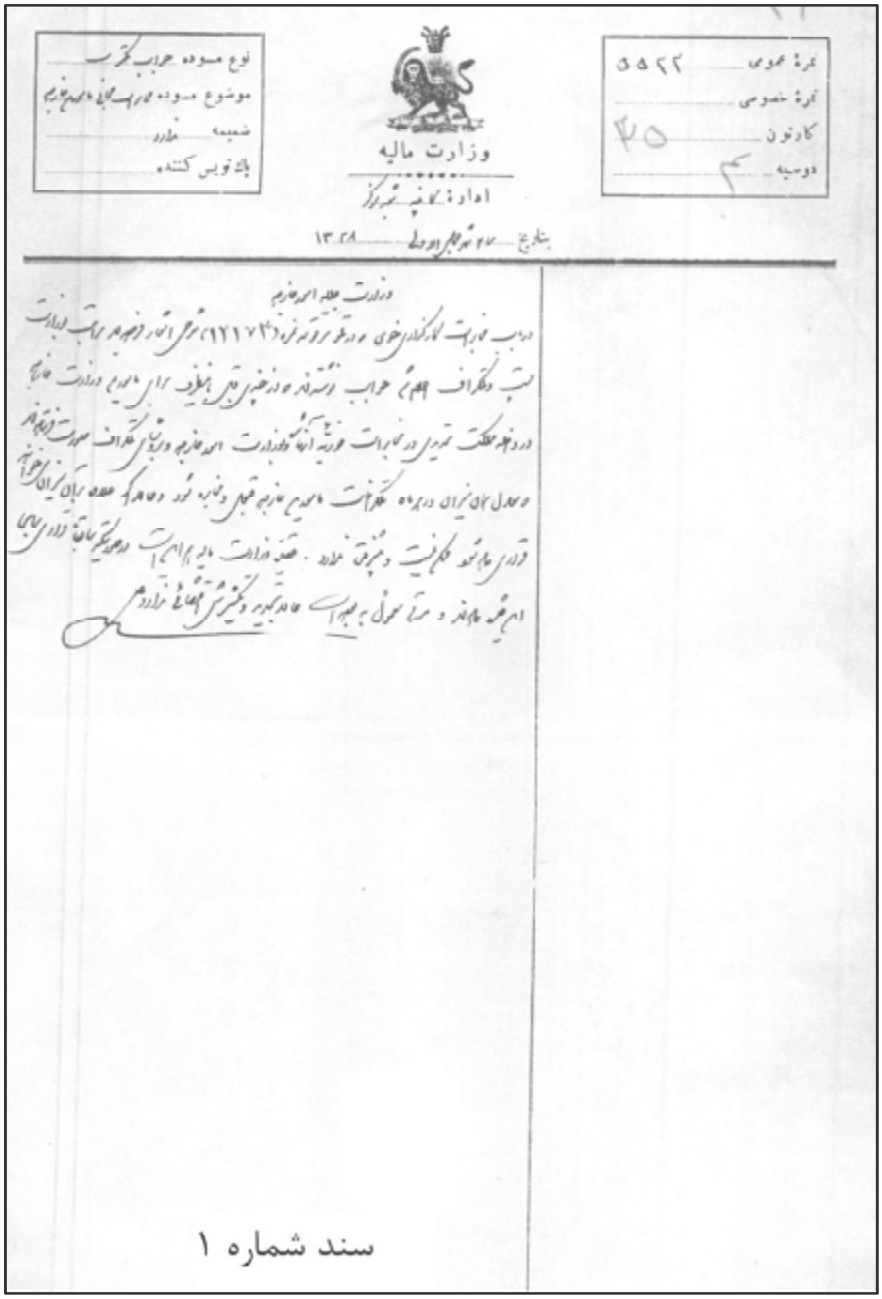
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

- کسروی، احمد (۱۳۱۹)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر.
- گوبینو، کنت (۱۳۶۷)، *سه سال در آسیا*، ترجمهٔ عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: انتشارات توس.
- مستوفی انصاری، مسعود (۱۳۴۹)، *تاریخ زندگی عباس میرزا*، تهران: انتشارات مستوفی.
- مشیری، محمد (۱۳۵۱)، *سکه‌های آقا محمد خان قاجار و پدرش محمد حسن خان قاجار*، تهران: گوتنبرگ.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۵۱)، *مآثر السلطانیه*، به اهتمام صدری افشار، تهران: ابن‌سینا.
- ملاعباس‌زاده، عباس (۱۳۸۹)، «کوچه‌های قدیم خوی»، *مجله خوی نگار*، ش ۶.
- موریه، جیمز (۱۳۸۶)، *سفرنامه (سفری به ایران، ارمنستان و آسیای صغیر)*، ترجمهٔ ابوالقاسم سری، تهران، توس.
- مهریار، محمد (۱۳۷۸)، *اسناد تصویری شهرهای ایران*، تهران: سازمان میراث فرهنگی، دانشگاه شهید بهشتی.
- مهندس‌الملک، رضاخان (۱۳۴۱)، *کتاب جغرافیای ایران*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- نادر میرزا (۱۳۵۱)، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، تهران: کتابخانهٔ اقبال.
- نصرت ماکویی، محمدرحیم (۱۳۷۳)، *تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو*، قم: انتشارات علمیه.
- نصیری، بهروز (۱۳۸۰)، *خوی در گذر زمان*، خوی: انتشارات قراقوش.
- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۶۳)، *امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- هدایت، رضا قلی خان (۱۳۳۹)، *روضة الصفای ناصری*، تهران: خیام.
- همبلی، گوین؛ مترجم: چهرازی، منصور و احمدیان، محبوبه (پاییز ۱۳۸۹)، «مقدمه‌ای بر نظام اقتصادی ایران در اوایل عصر قاجار»، *نامه تاریخ پژوهان*، ش ۲۳.
- یوسفی‌نیا، راضیه (۱۳۸۸)، *اسناد تجاری ادوار اول تا پنجم مجلس شورای ملی (۱۲۸۵-۱۳۰۴ش)*، تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- Colonel Stuart (1854),*Journal of a residence in northern Persia*, London.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

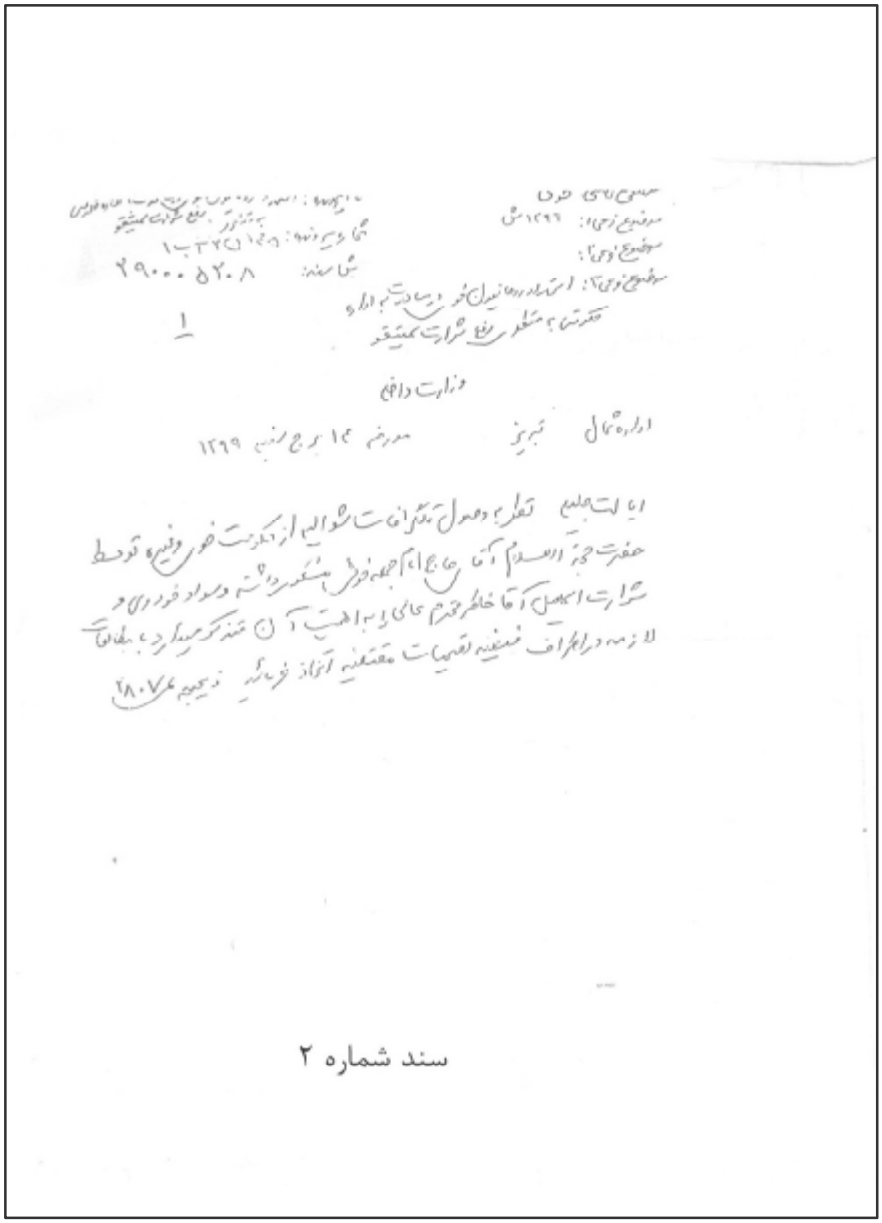
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]



سند شماره ۱

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

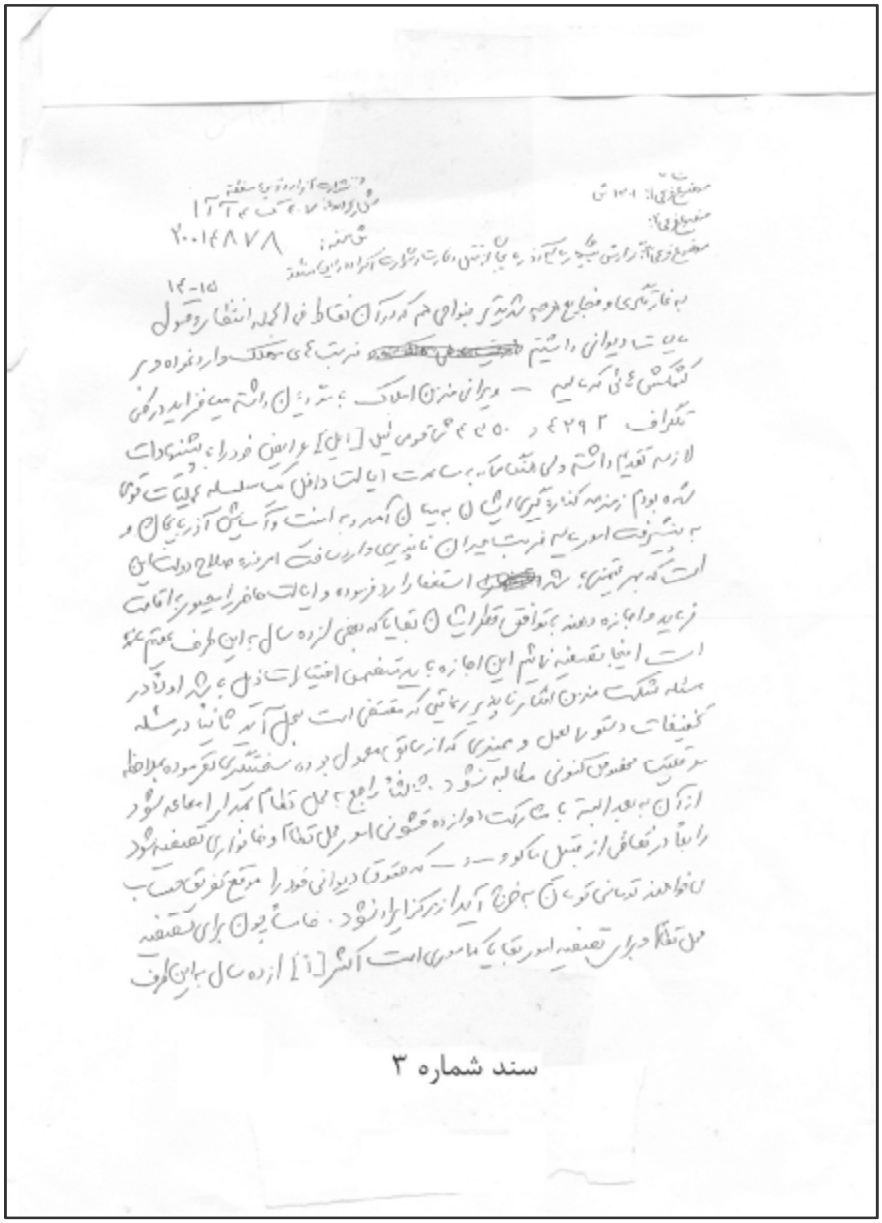
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]



سند شماره ۲

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

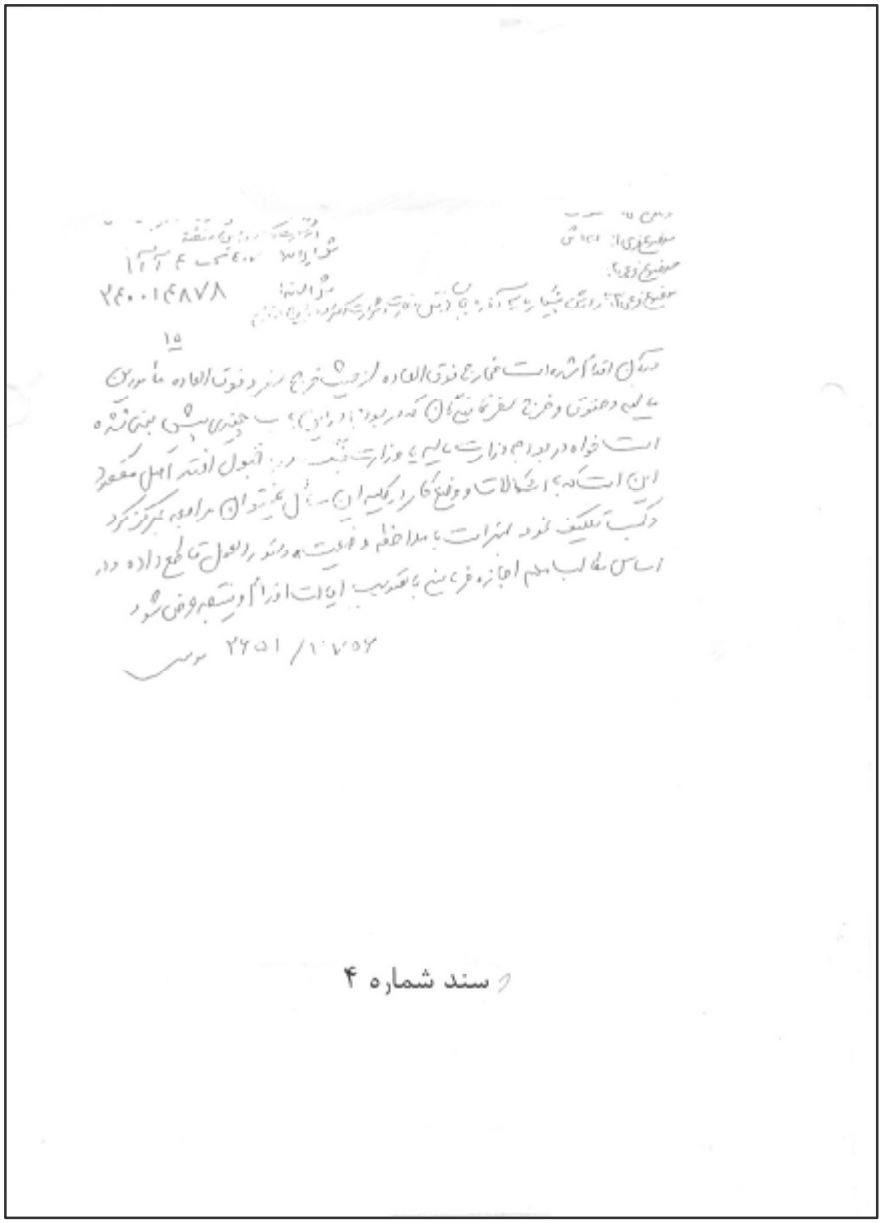
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]



سند شماره ۳

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

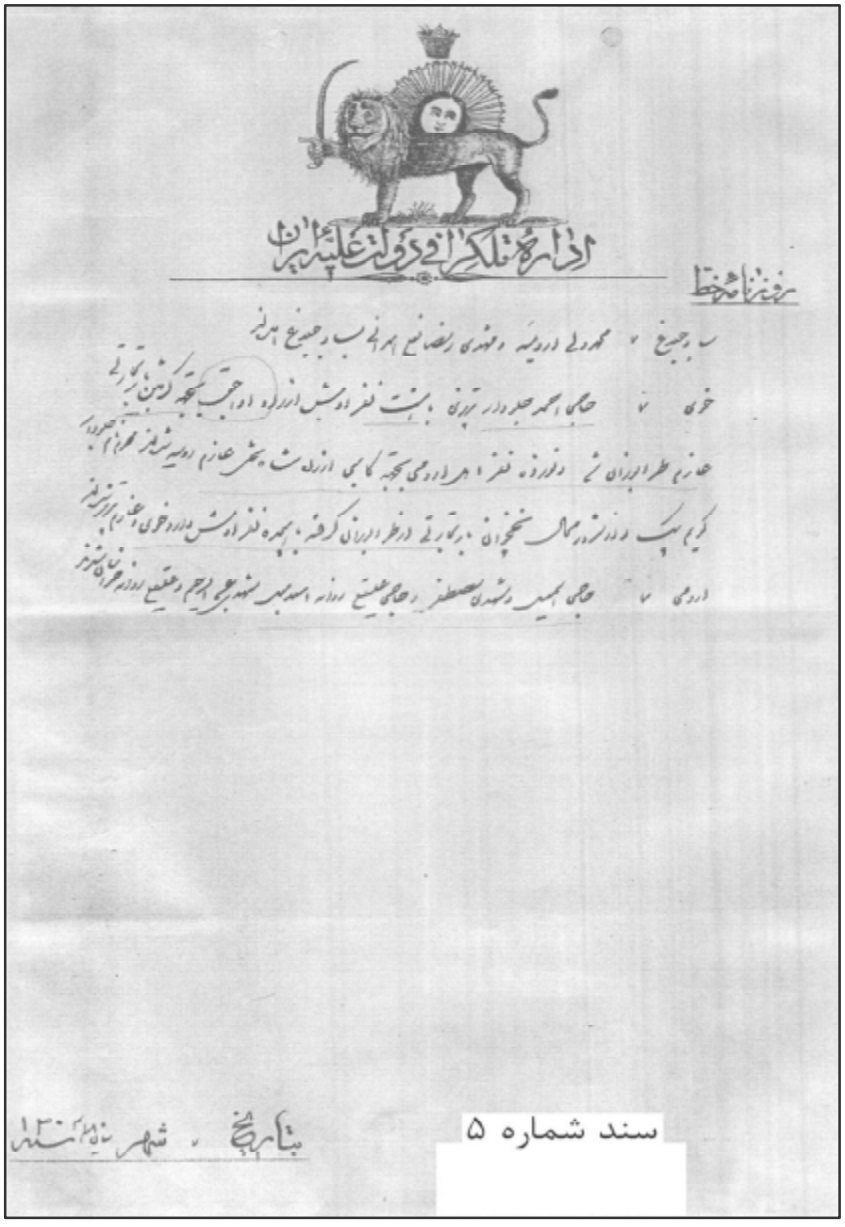
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]



سند شماره ۴

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

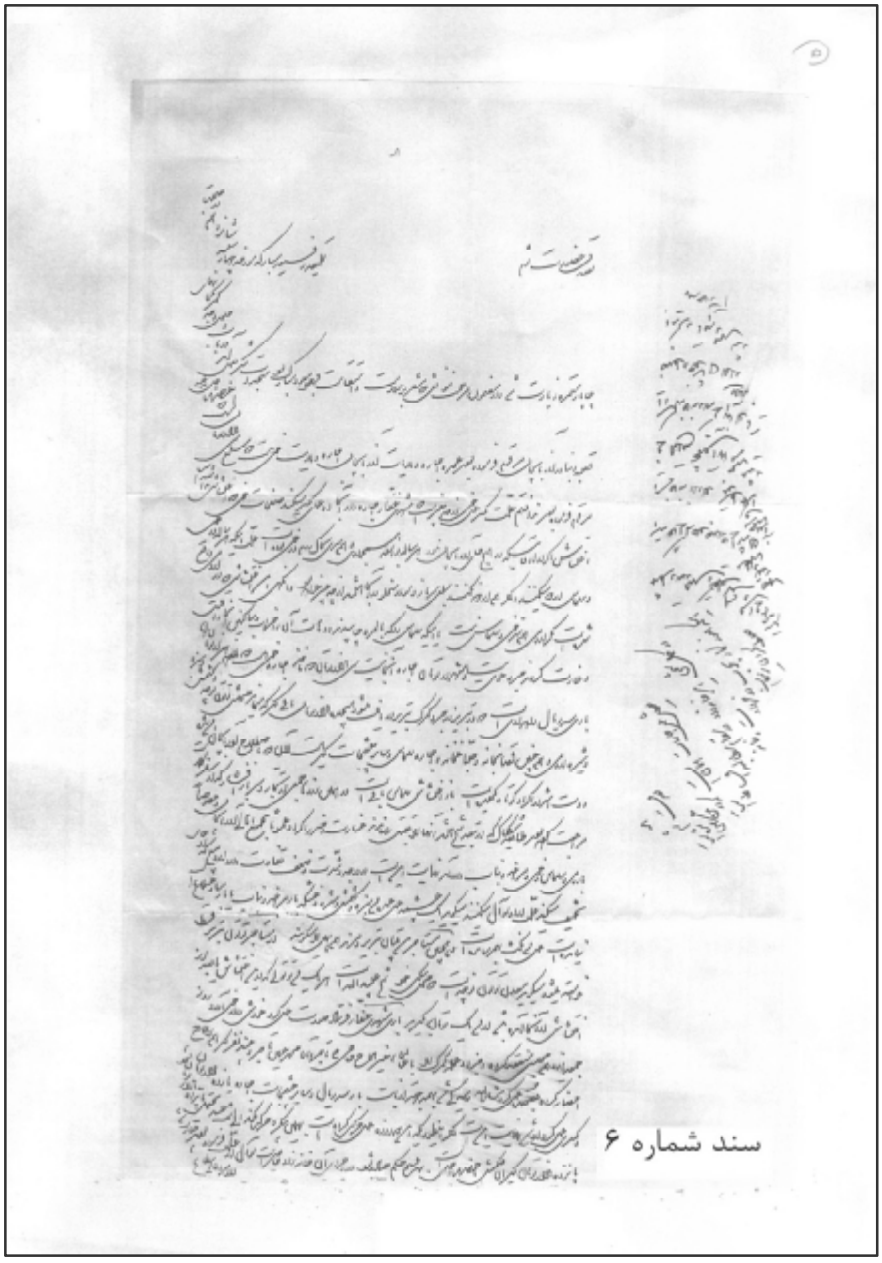
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]



سند شماره ۵

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

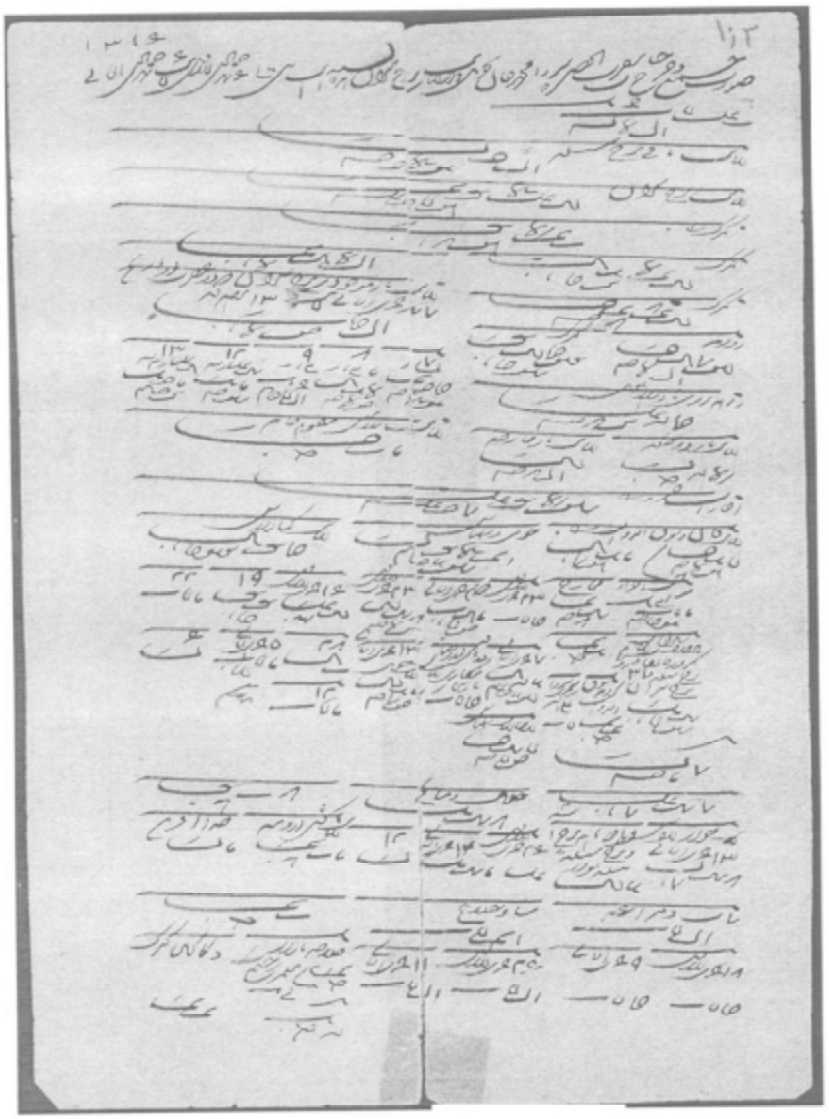
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]



سند شماره ۶

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

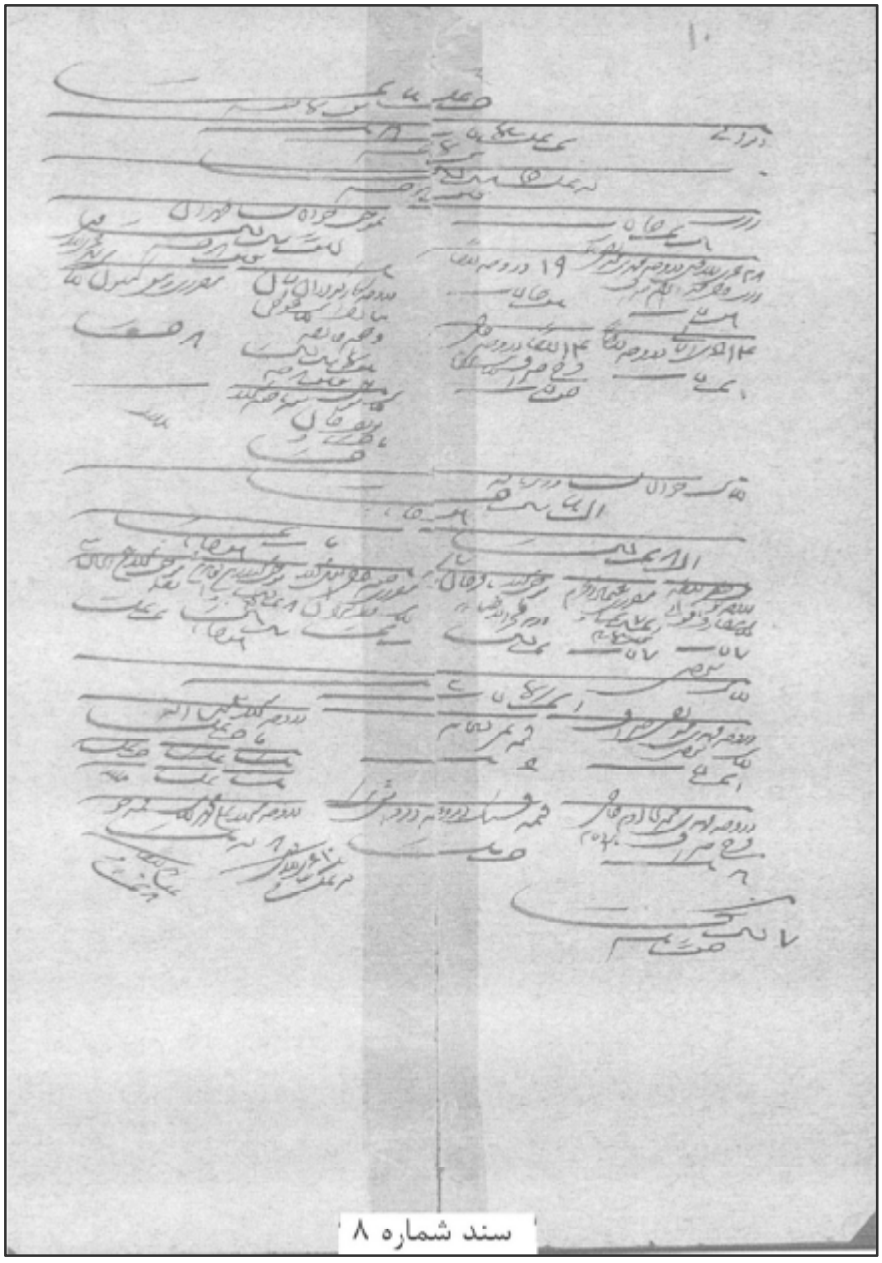
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]



سند شماره ۷

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

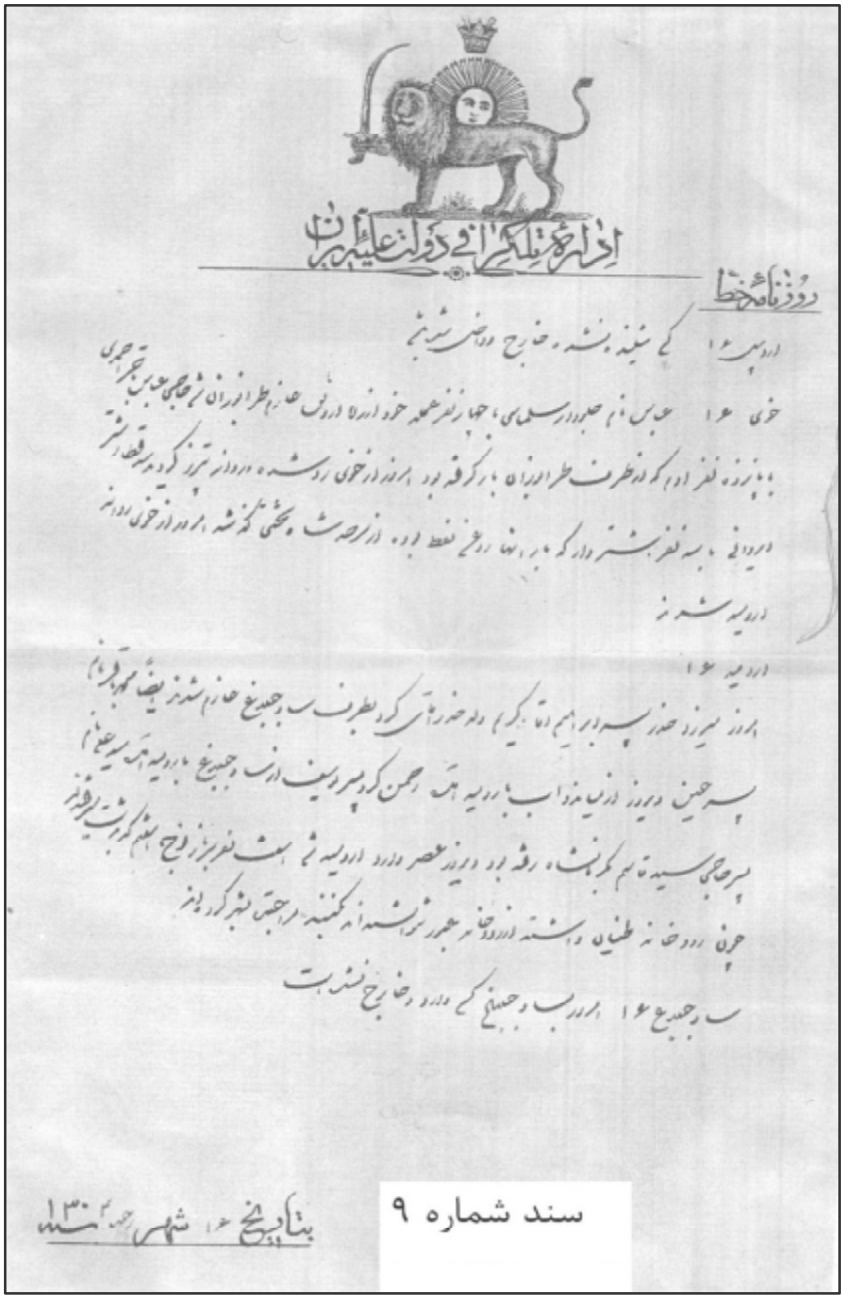
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]



سند شماره ۸

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

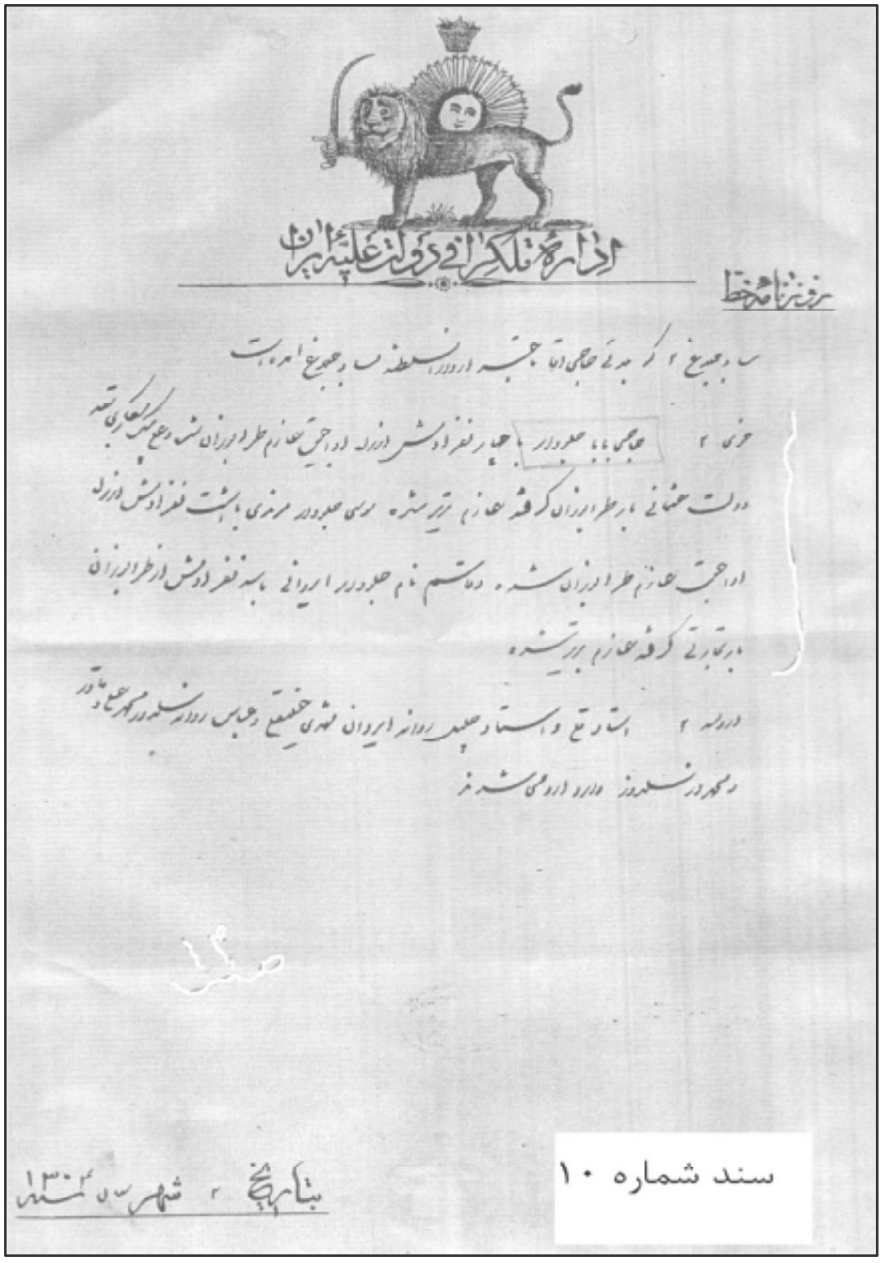
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]



سند شماره ۹

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

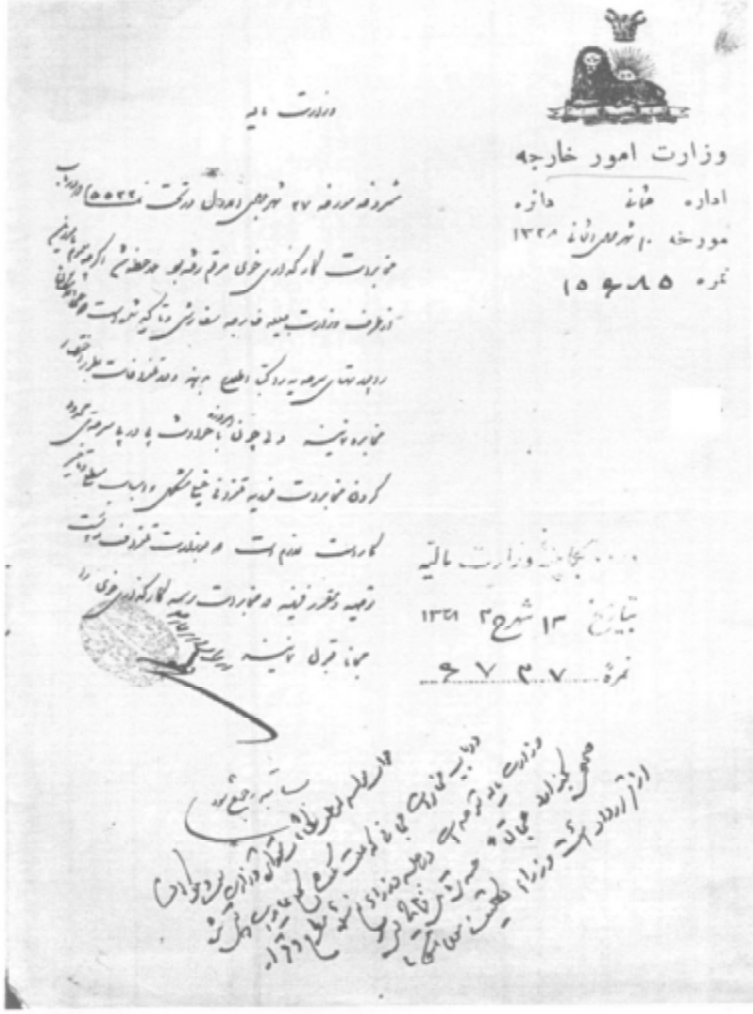


اداره تلگرافی دولت علیه ایران

سند شماره ۱۰

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

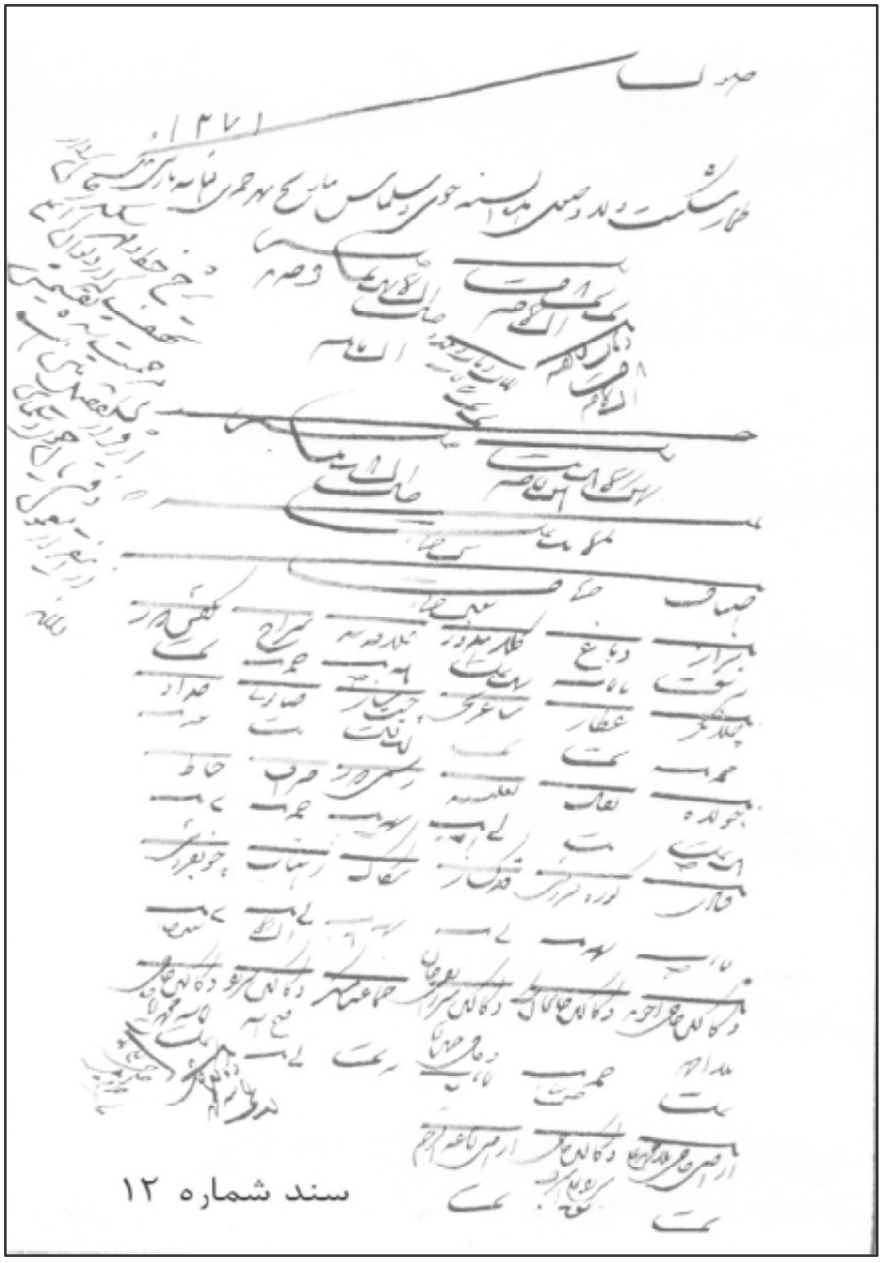
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]


وزارت امور خارجه

سند شماره ۱۱

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]



سند شماره ۱۲

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.4.3]
[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]